

فهرست

۱۴	فصل اول: ادبیات تعلیمی	
۴۰	فصل دوم: ادبیات پایداری	
۶۱	فصل سوم: ادبیات غنایی	
۹۱	فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی	
۱۱۸	فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی	
۱۳۹	فصل ششم: ادبیات حماسی	
۱۶۵	فصل هفتم: ادبیات داستانی	
۱۹۴	فصل هشتم: ادبیات جهان	
۲۱۹	پاسخ‌نامه تشریحی	
۲۶۸	پاسخ‌نامه تشریحی	



فصل اول ادبیات تعلیمی

بسته‌های آموزشی درس اول

بسته واژگان (۹۱ و ۹۲)

اجابت کردن: پاسخ دادن، قبول کردن	دامن پر کردن: مقدار زیادی از چیزی تدارک دیدن یا جمع کردن (کتابه)	ما عَبدُناکَ حَقِّ عِبَادَتِکَ: تو را چنان که شایسته است عبادت نکردیم.
اجابت: پذیرفتن، قبول کردن	دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند.	مَعا عَرفَناکَ حَقِّ مَعْرِفَتِکَ: تو را چنان که سزاوار شناسایی توست، نشناختیم.
از دست برآمدن: توانستن	ذبح: تاریکی‌ها « شکل مفرد: ذبحه در برگرفته: بر تن کرده ذات: وجود، هستی ربیع: بهار	مَدَعیان: ادعا کنندگان، خواهندگان
اصحاب: یاران « شکل مفرد: صاحب « شکل دیگر: صحابه	روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد	مَراقِبَت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر این‌که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق مزید: افزونی، زیادی
اعراض: روی گردان از چیزی یا کسی، روی گردانی	سربه جیب مراقبت فرو بردن: در حالت تأمل و تفکر عارفانه قلب خود را از هر چه غیر خدا حفظ کردن (کتابه)	مُستَعرف: عرق شده کسی که سخت سرگرم کاری باشد
انصراف	شفیع: شفاعت کننده، پامرد (خواهنگر، حاجی)	مَعاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی، در متن درس، مقصود همان کار مراقبت و مکاشفت است
آست: ملت، پیرو دین « شکل جمع: امم	شاهد فایق: عسل خالص	مُطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد.
انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی عُذر « مترادف	شاهد: عسل	مَعترف: اقرار کننده، اعتراف کننده
انتیساط: حالتی که در آن احساس بیگانگی و ملاحظه و رودریاوستی نباشد؛ خودمانی شدن	طاعت: بندگی، فرمان بردن « مترادف: طوع	مَفخر: هر چه بدان فخر کنند و بنانند؛ مایه تاز و بزرگی، مایه افتخار صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر
یاسق: بلند، بالیده	صغوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر	مُفَرَّح: شادی بخش، فرح انگیز « مترادف: نُزْهت بخش
بر آمدن: بالا آمدن	عاکفان: کسانی که در مدنی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند « شکل مفرد: عاکف	مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، بی بردن به حقایق است
بر آید: حاصل شود، عملی است.	عُز و جُل: گرمی، بزرگ و بلند مرتبه است « بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود	مُعَد: مدد کننده، یاری رساننده (مستحیات، یاری رساننده زندگی)
بَلغ: رسیدن	عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورد؛ افسره، شیره « هم خانواده: عصیر	مَنَت: سپاس، شکر، نیکویی
بنات: دختران « شکل مفرد: بنت	عُلی: مرتبه بالا	مَنسوب: نسبت داده شده
بنان: سرانگشت، انگشت « شکل جمع: بنانات/ به معنی مفرد نیز آمده است.	عهد: مسئولیت، تعهد کردن	مَنکر: زشت، ناپسند
بَط: مرغابی	فاحش: آشکار، واضح	عهد: گهواره
بیدل: عاشق، کسی که دل خود را از دست داده است.	فایق: برگزیده، برتر	عوسم: فصل، هنگام، زمان « شکل جمع: مواسم
پشتیمان: تکیه‌گاه، جویی که به جهت استحکام بر دیوار نصب کنند.	فرآش: فرش گستره گسترده فرش	ناموس: آبرو، شرافت، اعتبار، نیکنامی، عصمت
تاک: درخت انگور، رز	فرموده: دستور داده « مصدر، فرمودن	« شکل جمع: نوامیس
تَمَمه: باقی مانده (شبه دور زمان مایه تملی و کمال	فرو گذاشتن:رها کردن، ترک کردن	لیات: گیاه، رستی
گرفتن روزگار، مایه تملی و کمال دور زمان رسالت)	قیه: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند	نسی: پیغمبر، پیام آور، رسول
تَجَرِب: سرگستگی، سرگردانی « هم خانواده: متجرب، حیران	قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن	نسیم: خوشبو
تَضَرع: زاری کردن، التماس کردن	قربت: نزدیکی، نزدیکی در مکان و منزلت	نظر کردن: نگاه کردن، تگریستن، توجه کردن
تقصیر: سستی و کوتاهی در کاری، گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن	قسیم: صاحب جمال	نقش بر کشیدن: نقش آفریدن، تصویر کردن
تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن	قصد پیوستن: قصد کردن، کاری انجام دادن	واصفان: وصف کنندگان، ستاینندگان « شکل مفرد: واصف
جسیم: خوش اندام (هم خانواده) جسم	کاینات: همه موجودات جهان « شکل مفرد: کاینه	ورق: برگ
جُل و علا: بزرگ و بلند قدر است.	کرامت کردن: عطا کردن، بخشیدن	وسیم: دارای نشان پیامبری
جیب: گریبان، یقه	گشف: بر طرف کرد، آشکار کرد	وظیفه روزی: رزق مقرر و معین
خسنت: نیکو است.	کشیدن: گستردن	وظیفه: مقرری، وجه معاش
جلیه: زیور، زینت « شکل دیگر: حلیت	کَلکه: هر لی میان خالی را گویند عموماً، لی	
خبر: حدیث، سخنی که از پیامبر (ص) باشد.		
خُلعت: جامه دوخته که بزرگی به کسی بخشد.		
(خلعت نوروزی، استعاره از بزرگی سبز و کتیا)		
خوان: سفره، سفره فراخ و گشاده « مترادف: بساط، سماط		
دامن از دست رفتن: از خود بی خود شدن، اختیار خود را از دست دادن (کتابه)		

بستهٔ املا



طاعت و بندگی: هم‌معنی هستند. (مطیع، مطاع)	مهد زمین: گهوارهٔ زمین
« شکل جمع: طاعات	عصارهٔ تاک: چکیدهٔ انگور (عصیر)
موجب قربت: موجب نزدیکی (قربیه، قربیه، تقریبه)	شهد فایق: شیرینی برتر (موفق، توفیق)
« هم‌آوا: غربت (لوری)»	نخل باسق: نخل بلند « شکل جمع: بواسق
مفروح ذات: شادی‌بخش وجود (تفریح، فرح) « شکل	ضقوت آدمیان: برگزیدهٔ انسان‌ها (ضد، مستثنی)
جمع: مفرحات	قسیم و زیبا: هم‌معنی هستند.
تقصیر خویش: گناه خود (مغص، لغور، فاصر)	دست‌انابت: دست توبه (آبیه)
« شکل جمع: تقصیرات	اعراض کردن: روی برگرداندن (عرض، تعزی)
خوان نعمت: سفرهٔ نعمت خوان‌گستر « هم‌آوا: خان	تضرع و زاری: هم‌معنی هستند. (استرع)
(مرحله)	عاکفان کعبه: گوشه‌نشینان کعبه (متکف، متکاف)
گناه فاحش: گناه آشکار، فحشا	جلیهٔ جمال: زیور زیبایی (احلت)
باد صبا: باد شرقی « هم‌آوا: صبا (سوره‌ای در قرآن)	به تحیر منسوبه حیران‌شده (مخیره، صحره) « جمع: ثمرات / تجارب

بستهٔ دستور



یاد بگیریم • حذف

- « حذف: موجب صرفه‌جویی در کلام می‌شود. هر یک از اجزای جمله در صورت وجود قرینه می‌توانند حذف شوند. با دو نوع مشخص:
- حذف به قرینهٔ لفظی: اگر حذف به دلیل تکرار و برای پرهیز از تکرار صورت گیرد، آن را حذف به قرینهٔ لفظی گویند.
- مثال: پلیس، سارق را دستگیر کرد و زندانی کرد (پلیس، سارق را دستگیر و زندانی کرد).
- حذف به قرینهٔ معنوی: حذف آن‌چه خواننده یا شنونده از مفهوم کلام حدس می‌زند. اگر خواننده یا شنونده از سیاق سخن به بخش حذف‌شده پی ببرد، آن را حذف به قرینهٔ معنوی گویند.
- مثال: چه بهتر ... که شما این کار مهم را به عهده بگیرید. (فعل «است» بعد از «بهتر» به قرینهٔ معنوی حذف شده است.)

مثال‌های یاد بگیریم:

- منت خدای را، عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. « فعل «است» به قرینهٔ لفظی پس از «نعمت» حذف شده است.
- بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد.
- حذف فعل «است» در مصراع اول بعد از «به» به قرینهٔ معنوی.
- باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریش همه‌جا کشیده. « فعل «است» بعد از «رسیده» و «کشیده» به قرینهٔ معنوی حذف شده است.
- چه غم دیوار امت را که دارد چون تو بشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟
- حذف فعل «است» بعد از «چه غم» و «چه باک» به قرینهٔ معنوی.
- عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عبیدناک حقَّ عبادتک»
- حذف فعل هستند، پس از «معترف» به قرینهٔ معنوی.
- یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرورده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده: « فعل «بود» بعد از «مستغرق شده» به قرینهٔ لفظی حذف شده است.

چند نکتهٔ دستوری مهم درس:

- منت خدای را، عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. (به شکر اندر او)
- باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریش همه‌جا کشیده. بردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرت
- از دست و زبان که برآید کز عهدهٔ شکرش به درآید؟
- بازش بخواند، باز اعراض کند بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند ... دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که...
- درختان را به خلعت نوروزی قیامی سبز ورق ... و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاد. عصارهٔ تاکی به قدرت او

شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته

- ... یکی از بندگان گنهگار، پریشان‌روزگار، دست‌انابت به امید اجابت به درگاه حق - جل و غلا - بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند.
- **مَتَّ خدای را، عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.** ← حرف اضافه (تخصیص) است در معنی «مخصوص» (حرف «را»)
- بارانِ رحمتِ بی‌حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی‌درغش همه جا کشیده ← حرف اضافه است. (هسه را به همه)
- ما را چه تحفه کرامت کردی؟ ... چون به درخت گل رسم، دامنی بر کنم هدیه اصحاب را ← ما را، برای ما (را، حرف اضافه) / برای هدیه اصحاب (را، حرف اضافه)
- ای مرغ سحر را عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
← فک اضافه است. (جان آن سوخته شد)
- این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد
← حرف اضافه است به معنی «از»
- چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت! (بوی گل مرا ... / دامن از دست من برفت)

بسته آرایه‌های ادبی



- از دست و زبان که برآید / کز عهده شکرش به درآید؟ ← دست: مجازاً «کردار» / زبان: مجازاً «گفتار»
- فراش یاد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترَد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نیات در مهد زمین بیرورد.
← فرش زمردین: استعاره از «سبزه‌ها»، «فرش گسترده یاد صبا» (تخصیص و استعاره)، «بنات پروردن ابر بهاری» (تخصیص و استعاره)
- درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده ← به قدوم موسم ربیع: تشخیص و استعاره
- **مَتَّ خدای را، عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.** ← اشاره دارد به آیه «لَا شُكْرَ لِمَا لَا يَرْزُقُكُمْ» (سوره ابراهیم، آیه ۷) - (تلمیح)
- دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نیات در مهد زمین بیرورد. ← اشاره دارد به آیه «لَا يَجْعَلُ الْأَرْضَ مَهَادًا» (آیا زمین را گهواره‌ای قرار ندادیم؟)
- ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / نا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
← تلمیح دارد به آیه «و سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ النُّجُومَ سَخَّرَاتٍ بِأَمْرِي...» (او شب و روز و خورشید و ماه را برای شما بسخّر گردانید و ستارگان به فرمان او رام و مطیع هستند).
- این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد
← تلمیح به حدیث «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كَيْلَ لِسَانِهِ، (هر کسی خداوند را شناخت زبانش لال می‌شود)
- **اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلًا مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُورِ** ← آیه قرآنی (سوره سبأ، آیه ۱۳) عیناً ذکر شده است.
- **مَتَّ خدای را، عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.** هر نفسی که فرومی‌رود مُمَدِّ حیات است و چون برمی‌آید، مَفْرَحِ ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب. ← کلمات: «قربت و نعمت»، «فرو می‌رود و بر می‌آید»، «حیات و ذات»، «سجع دارند»
- بارانِ رحمتِ بی‌حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی‌درغش همه جا کشیده. پرده ناموسی بندگان به گناه فاحش نذرَد و وظیفه روزی به خطای منکر نَبَرَد.
← کلمات «رسیده، کشیده» و «نذرَد، نَبَرَد» سجع دارند.

🔗 **کنایه‌های مهم درس:** پرده ناموسی کسی را دریدن (بی‌ابرو و رسوا کردن وی) • برآمدن کاری از دست کسی (توانایی او برای انجام آن کار) • از عهده کاری به در آمدن (آن کار را به خوبی انجام دادن) • خیر شدن (اطلاع یافتن و آگاه شدن) • باز نیامدن خیر (محو شدن)

بسته معنی و مفهوم



شکر نعمت

- **مَتَّ خدای را، عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.** هر نفسی که فرو می‌رود مُمَدِّ حیات است و چون بر می‌آید، مَفْرَحِ ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.
 - از دست و زبان که برآید / کز عهده شکرش به درآید؟
 - ورنه، سزاوار خداوندی‌اش / کس نتواند که به جای آورد
 - بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد
 - بارانِ رحمتِ بی‌حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی‌درغش همه جا کشیده.
 - پرده ناموسی بندگان به گناه فاحش نذرَد و وظیفه روزی به خطای منکر نَبَرَد!
- معنی: آبروی بندگان را به سبب گناهان آشکار آنان نمی‌ریزد و روزی مقرر آن‌ها را با وجود خطاکار بودنشان قطع نمی‌کند.
- فراش یاد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترَد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نیات در مهد زمین بیرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده. عصاره ناکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته!

لزوم شکر نعمت

ناتوانی انسان در جبران

نعمت‌های خداوند

طلب بخشش الهی

فراگیر بودن رحمت خداوند

عیب‌پوشی خدا / رازق بودن خداوند

توصیف قدرت الهی



■ **بَلِّغِ الْعُلَمَى بِكَمَالِهِ، كُنْضُفِ الدُّجَى بِجَمَالِهِ** خَسَنَتْ جَمِيعُ خِصَالِهِ، ضَلُّوا عَلَيْهِ وَآلَهُ
 معنی: به واسطه کمال خود به مرتبه بالا رسید و با جمال نورانی خود تاریکی‌ها را برطرف کرد. همه صفات او زیباست؛ بر او و خاندانش درود بفرستید.

توصیف زیبایی‌ها، عظمت و مقام
والای پیامبر(ص)

■ **قَمِيمٌ جَمِيمٌ نَسِيمٌ وَسِيمٌ** شَيْغٌ مُطَاعٌ نَسِيٌّ كَرِيمٌ
 معنی: او شفاعت کننده، فرمانروا، پیام آور، بخشنده، صاحب جمال، خوشاندام، خوشبو و دارای نشان پیامبری است.

توصیف ویژگی‌های پیامبر(ص)

■ **چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟** چه غم دیوار است را که دارد چون تو پشیمان؟

اِتکاب به پیامبر سبب اطمینان است /
نجات دهندگی

■ **ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند** تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

نباید از یاد خدا غافل شد.
توصیه به بندگی خداوند /

■ **همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار** شرط انصاف نباشد که تو فرمان تبری

انسان الشرف مخلوقات است.

■ هر گاه که یکی از بندگان گنهگار بر نشان روزگار، دست امانت به امید اجابت به درگاه حق - جل و علا - بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند. بازش بخواند، باز اعراض کند باز دیگرش به تضرع و زاری بخواند. حق - سبحانه و تعالی - فرماید: یا ملائکتی قد استجبتن من عبیدی و لیس له غیری فقد غفرت له. دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم معنی: هر گاه یکی از بندگان گناه‌کار آشفته حال به امید قبولی خواسته‌اش دست توبه به درگاه خداوند بزرگ و بلندمرتبه بردارد، خداوند بلندمرتبه به او توجهی نمی‌کند. آن بنده دوباره خدا را صدا می‌زند. اما خداوند از او روی برمی‌گرداند. بار دیگر آن بنده خداوند را با ناله و زاری صدا می‌زند. خداوند - که پاک و بلندمرتبه است - می‌فرماید: ای فرشتگانم، من از بنده خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد پس آمرزیدمش؛ دعایش را پذیرفتم و خواسته‌اش را برآورده ساختم، زیرا از دعا، ناله و زاری بسیار بنده‌ام شرم می‌کنم.

توصیف عظمت و لطف بی پایان
پیوردگار در حق بندگان / خداوند
توبه بندگانش را می‌پذیرد.

■ **کرم بین و لطف خداوندگار** گنه بنده کرده ست و او شرمسار

معنی: لطف و کرم خداوند را بین که بنده گناه می‌کند اما او ابراز شرمندگی می‌کند. تأکید بر کرم خدا.

■ **عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عبدناک حق عبادتک» و واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که: «ما عرفناک حق معرفتک»**

ذات‌وایی و کوتاهی انسان در عبادت
و شناخت خداوند.

معنی: جلال و عظمت خداوند هم چون کعبه‌ای است و عبادت کنندگان این کعبه به کوتاهی در عبادت خود اعتراف می‌کنند که، «تو را چنان که شایسته است، پرستش نکردیم؛ و جمال خداوند هم چون زیوری است که وصف کنندگان این زیور با سرگشتگی می‌گویند؛ تو را چنان که سزاوار توست، نشناختیم.»

■ **گر کسی وصف او ز من پرسد** بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟

خداوند قابل توصیف نیست.

■ **عاشقان کشتگان معشوق‌اند** بر نیاید ز کشتگان آواز

رازهاری / پذیرفتن خطرات عشق

معنی: عاشقان که به مقام قنای فی‌الله رسیده‌اند، نمی‌توانند ویژگی‌های خداوند را بیان کنند، چون شخص بی‌جان و فانی نمی‌تواند سخن بگوید. ■ یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فروبرده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده آن‌گه که از این معامله باز آمد، یکی از دوستان گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟ گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دانه‌ی پر کتم هدیه اصحاب را، چون برسیدم، بوی گل‌م چنان مست کرد که دانه‌م از دست برفت!

توصیف حالت‌های عارفانه / حیرت
و سرگشتگی

■ **هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی بر کشد** و آن که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای

معنی: هیچ نقاشی تو را نمی‌بیند که بتواند از تو تصویری بکشد، و نقاشی هم که تو را ببیند از حیرت قلم از دستش برها می‌شود.

■ **ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم** وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خواندایم

توصیف عظمت خدا

■ **ای سرخ سحر! عشق ز پروانه پیامبوز** کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

پاک‌بازی عاشق / رازداری عاشقان
والقی

■ **این مدعیان در طلبش بی‌حیران‌اند** کان را که خیر شد، حیرت باز نیامد

تست‌های درس اول

بسته‌وارگان

۲۹. یکی از معانی کدام واژه نادرست است؟

- ۱) طاعت (توانایی، طوع)
- ۲) نظر کردن (نگریستن، توجه کردن)
- ۳) قدوم (فرا رسیدن، قدم نهادن)
- ۴) پشیمان (جویی که به جهت استحکام بر دیوار نصب کنند، تکیه‌گاه)

۳۰. معنی چند واژه نادرست است؟
 «مدعی: خواهنده»، «جان شسد: کشته شسد»، «تحفه: ارمغان»، «خبر: حدیث»، «صاحب دل: معشوق»، «کشف: برطرف کرد»، «مهد: مکان»، «اجابت کردن: پاسخ دادن»، «قیامه: جامه بدون دکمه»
 (۱) سه (۲) یک (۳) دو (۴) چهار
۳۱. توضیح داخل کمانک کدام عبارت درست است؟
 (۱) دامن از دست رفتن (بی خیال و آسوده شدن)
 (۲) قصد پیوستن (کاری انجام ندادن)
 (۳) دامن پر کردن (تدارک چیزی را در حد زیاد دیدن)
 (۴) تمه دور زمان (باقیمانده تاریخ)
۳۲. «ستاینده، هستی، بهانه، اعتبار، تاریکی» به ترتیب معنی کدام واژه هاست؟
 (۱) ثناگر - وجود - عذر - ارزش - دُجیه
 (۲) ثناگر - حیات - تعلل - قدر - دُجیه
 (۳) واصف - مایملک - انابت - ابرو - دُجیه
 (۴) واصف - ذات - عذر - ناموس - دُجیه
۳۳. در کدام گزینه برخی از معانی واژه های نادرست است؟
 (۱) صفوت: برگزیده - منتخبی از افراد بشر
 (۲) مطاع: اطاعت شده - فرمان بر
 (۳) منت: شکر - نیکویی
 (۴) قدوم: آمدن - قدم نهادن - فرارسیدن
۳۴. معنی درست واژه های «انابت، عصاره، وظیفه، اعراض» در همه گزینه ها آمده است، به جز
 (۱) بازگشت به سوی خدا - آب میوه - مقرری - انصراف
 (۲) تقاضا - خالص - روزی - روی از خالق برگرداندن
 (۳) پشیمانی - افشرد - مقرری - روی گرداندن از چیزی
 (۴) توبه - شیره - وجه معاش - روی گردانی
۳۵. در کدام گزینه معنی درست واژه های «بنان، بنات، باسق، فایق» آمده است؟
 (۱) انگشت - فرزندان - شیرین - بلندتر
 (۲) انگشتان - زنان - بلند - برتر
 (۳) انگشتان - دختران - ننومند - برتر
 (۴) انگشت - دختران - بالیده - برگزیده
۳۶. در کدام گزینه معنی یکی از واژه ها نادرست آمده است؟
 (۱) (تضرع: التماس کردن) - (تاک: رز)
 (۲) (وسیم: زیبا) - (فاحش: واضح)
 (۳) (نبی: پیام آور) - (ورق: برگ)
 (۴) (منکر: زشت) - (کاینه: موجود)
۳۷. معنی چند واژه در برابر آن درست است؟
 «کرامت کردن: بخشیدن»، «عاکف: صوفی»، «کشیدن: گستردن»، «شفیع: پامرد»، «شهد فایق: غسل خالص»، «حلیه: زینت»، «خون: سفره فراخ»، «دایه: سرپرست»، «بر آمدن: بازگشتن»، «مزید: افزایش دهنده»
 (۱) نه (۲) هشت (۳) هفت (۴) شش
۳۸. معنی درست واژه های «گلک، مستغرق، مُمد، مفرح» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
 (۱) قایق - غرق کننده - یاری - شادی بخش
 (۲) نوعی قایق - غرق شده - یاری گر - سبب شادی
 (۳) نی میان خالی - غوطه ور شده - یاری شده - تفریح کننده
 (۴) نی - غرق شده - یاری رساننده - فرح انگیز
۳۹. در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و تأکید بر اینکه خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست.
 (۱) مراقبت (۲) معاملات (۳) مکاشفت (۴) انبساط

بسته املا



۴۰. در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟
 (۱) مطاع سروران - امر مطاع - مطیع و مطاع
 (۲) اطاعت مطاع - پادشاه مطاع - مطیع امر
 (۳) حکم مطاع - فرمان مطاع - مطاع کثیر
 (۴) مطاع همه - امیر و مطاع - مطیع و مطاع
۴۱. در این دو بیت چند غلط املائی وجود دارد؟
 «مگر سپهری و هستی که باشد از تو همی
 ضیاع ذهن تو زاید ز چشمه خورشید»
 (۱) چهار (۲) یک (۳) دو (۴) سه
۴۲. آخرین واژه کدام بیت املائی غلط دارد؟
 (۱) آن چه کرد امسال شاه از هفت خوان نادرتر است
 (۲) در هر کجا که هست اثرهای او پدید
 (۳) اگر خواهی که خدمت کار و مدحت خوان بود چرخ
 (۴) گیتی به میزبانی و حیلت گری تو را
- زین سپس ما را عجب ناید حدیث هفت خوان
 بر قصرهای قیصر و بر خانه های خوان
 همیشه خدمت او کن همیشه مدحت او خوان
 پرداخته است خانه و آراسته است خوان

۴۳. در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟

- ۱) خدای عزّ و جل در ازل نهاد چنان
- ۲) تا نیفتند در آن فساد و خلل
- ۳) یار شب را روز مهجوری سده
- ۴) چنان گذارد رازی که گویدش خاطر

۴۴. در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟

- ۱) گوش ظاهر این سخن را ضبط کن
- ۲) نه از خوارش غم دامن دریدن
- ۳) زینت اقبال و دولت زیور فزّ و شکوه
- ۴) هر آن نقشی که آید زشت یا خوب

۴۵. کدام بیت فاقد غلط املائی است؟

- ۱) بر جگر آبش یکی قطره نماند
- ۲) عصیر جان به خم جسم تیز می‌نداخت
- ۳) مرا گوید که درد ما به از قند است و از حلوا
- ۴) روزه‌داران را بود آن نان و خان

۴۶. در عبارت زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«کودکی را سخ و باسق، باغ جوانی از شکوفهٔ طرب تازه بود و ریاحین عیش بی حد و اندازه، خاستم که بر امهات بلاد گذری کنم و اختیار را اختیار سفری پیش گیرم، با یاران یکتا و اخوان صفا مشورتی کردم، هریک سفری را تعیین و عزیمتی را تحسین کردند، پس مردی از آن میان برخواست که جمال لایق داشت و حسنی فایق و گفت: من قبول می‌کنم آن خسال را!»

- ۱) چهار ۲) پنج ۳) دو ۴) سه

بستهٔ دستور



۴۷. دادهٔ کدام گزینه غلط است؟

- ۱) تا به از دیو در عمل و چهیره پری (فعل به قرینهٔ لفظی حذف شده است)
- ۲) ای روی تو از چشم خورشید سما به
- ۳) ای آفتاب خاوری ای رشک ماه و مشتری
- ۴) گرچه می‌دانم قسم خوردن به جانت خوب نیست

۴۸. در هر دو بیت کدام گزینه فعل هم به قرینهٔ لفظی و هم به قرینهٔ معنوی حذف شده است؟

- | | |
|------------------------------------|-------------------------------|
| الف) ای رخت چون ماه و از مه پیش هم | ب) تیره کردی عیش ما و روز دل |
| ج) گر نوازش نیست کشتن، گفتمت | د) کشتیم از دست جفایت خویش را |
| ه) هر زمان گویی که نوش من خوش است | |
- ۱) الف - د ۲) ج - ه

۴۹. در کدام بیت فعل به قرینهٔ لفظی حذف شده است؟

- ۱) هستی تو پری زانکه درایی به دل و جان
- ۲) پرسی که چو من نیست به خوبی مه و خورشید
- ۳) در بادیهٔ عشق به یازی نتوان رفت
- ۴) «فانی» نهنی پای به سر منزل مقصود

۵۰. در همهٔ ابیات به جز بیت نهادی، محذوف است.

- ۱) می با جوانان خوردنم باری تمنّا می‌کند
- ۲) گداخت جان که شود کار دل تمام و نشد
- ۳) چندان کز این دو دیدهٔ من رفت روز و شب
- ۴) بخت باز آید از آن در که یکی چون تو در آید

که جمله از دو محمد بود سلاح جهان
از ظبه‌هور و غرور نفس دقل
جان قربت‌دیده را دوری سده
که گوش نشنودش اینت غایت کتمان

گوش جانش جاذب اصرار کن
نه از تیغش هراس سر بریدن
حلیهٔ مُلک و مَلِک پیرایهٔ عزّ و وقار
کند بر گام خویش آن نقش منصوب

بهر رحمت کرد و او را بازخواند
چو دف شنید برآرد کفی نشان قوام
تو را سرع است یا سودا کس از حلوا کند افغان
خرمگس را چه ابا چه دیگدان

(انسانی ۹۶)

۵۱. در کدام بیت، حذف فعل به قرینه لفظی صورت گرفته است؟

- ۱) کجا دست گیرد دعای ویت
 - ۲) یکی را که سعی قدم پیش‌تر
 - ۳) بفرمود گنجینه گوهرش
 - ۴) دعای منت کی بود سودمند
- دعای ستم‌دیدگان در بیت؟
به درگاه حق منزلت پیش‌تر
فشاندند در پای و زر بر سرش
اسیران محتاج در چاه و بند

(تجربی ۹۳)

۵۲. در همه ابیات به استثنای حذف فعل به قرینه معنوی صورت گرفته است.

- ۱) کسی را یده پایه مهتران
 - ۲) که یارب بر این بنده بخشایشی
 - ۳) یکی شخص از این جمله در سایه‌ای
 - ۴) بداندیش را چاه و فرصت مده
- که بر کهتران سر ندارد گران
کز او دیده‌ام وقتی آسایشی
به گردن بر از حله پیرایه‌ای
عدو در چه و دیو در شیشه به

(تجربی ۹۶)

۵۳. در کدام بیت، حذف فعل به «قرینه معنوی» صورت گرفته است؟

- ۱) حکایت از لب شیرین دهان سیم اندام
 - ۲) کسان را درم داد و تشریف و اسب
 - ۳) به چشم‌های تو دالم که تا ز چشم برفتی
 - ۴) به جای خاک، قدم بر دو چشم سعدی نه
- تفاوتی نکنند گر دعاست یا دشنام
طبیعی است اخلاق نیکو نه کسب
به چشم عشق و ارادت نظر به هیچ نکردم
که هر که چون تو گرامی بود به نیاز آید

(انسانی ۹۶)

۵۴. حذف فعل به «قرینه معنوی» در همه ابیات وجود دارد. به جز:

- ۱) گرفتار کمند ماهرویان
 - ۲) من ابروی نخوام ز بهر نان دادن
 - ۳) چشمی که جمال تو ندیده‌ست چه دیده است
 - ۴) به دوستی که ز دست تو ضربت شمشیر
- نه از مدحش خبر باشد نه از دم
که پیش‌طایفه‌ای مرگ به که بیماری
افسوس بر ایوان که به غفلت گذرانند
چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول

(خارج از کشور ۹۷)

۵۵. در کدام بیت ضمیر پیوسته، وابسته «متمم» است؟

- ۱) از آن پوشم رخ از زلفت که گویند
 - ۲) ورم قدم به عیادت نمی‌نهی باری
 - ۳) دو چشم سیل‌بار و روی زردم
 - ۴) من سرگشته چو سر در سر زلفت کردم
- نمی‌باید نمودن زر به طرز
تفقدی به زبان قلم دریغ مدار
شد این رودآور و آن زعفران‌زار
دست من گیر و مرا بی‌سر و سامان مگذار

۵۶. در کدام گزینه ضمیر پیوسته «م» متمم است؟

- ۱) از آن ضمیر صواب آن اثر همی‌بینم
 - ۲) هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود
 - ۳) هرگز این گمان نبد با تو که دوستی کنم
 - ۴) اگر سرم برود در سر وفای شما
- که مثل آن نگذشته است هرگز به ضمیر
هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود
باورم این نمی‌شود با تو نشسته کاین منم
ز سر برون نرود هرگز هم‌هوای شما

۵۷. نقش ضمیر پیوسته در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) دعای منت کی شود سودمند
 - ۲) منت ز درج سخن عقده‌های بسته دهم
 - ۳) ز سوز سینه و اشک منت زبانی نیست
 - ۴) اگر از حال منت هیچ نمی‌سوزد دل
- اسیران محتاج در چاه و بند؟
توان‌گر از سر صندوق مال یگشاید
بلی از آتش و آبست بی‌زیان گوهر
تو که این حال نبودی تو را معذوری

۵۸. در کدام گزینه «مستند» وجود دارد؟

- ۱) یا عجز بسازید که صد شعله درین دیر
 - ۲) شمشاد چه تائیده عبت طره دعوی
 - ۳) هر کس شکسته است به جامی خمار خویش
 - ۴) آن هندوی سیه که تماش بند کرده‌ای
- شمشیر شکسته است به زیر سیر داغ
زلف تو شکسته است پر و بال پری را
لیل فتاده مست ز جام شراب گل
بسیار قلب صفشکنان کو شکسته است

۵۹. در کدام گزینه «مفعول» به درستی مشخص شده است؟

- ۱) گفتم ز در خویش مران، گفت که بگذر
 - ۲) کسی را چه غم از رفت دل سوخته من
 - ۳) آن صبر که می‌گفتم من کوه گران سنگ
 - ۴) ما را چه حد صبر به هجر تو، چو خسرو
- زین کوجه که داند که چو تو چند گدا رفت؟
بوده‌ست از آن من، اگر رفت مرا رفت
بادی یوزید از تو ندانم که کجا رفت
آمد به درت باز به سر آنکه به پا رفت

بسته آرایه‌های ادبی



۶۰. در همه گزینه‌ها واژه «سر» سبب ایجاد آرایه مجاز شده است، به جز.....

- (۱) نیست بیمی به جنگ ناکردن
- (۲) گر در سرت هوای وصال است حافظا
- (۳) به خاک پات که گر سر فدا کند سعدی
- (۴) ای مرا در هجر رویت چشم تر چون سر سفید

۶۱. در کدام گزینه جناس ناهمسان وجود ندارد؟

- (۱) در صورت گل معنی جان دید و بماند
- (۲) سخن تو آن حلاوت که شکر توانش گفتن
- (۳) هر آدمی ای که مهر مهرت
- (۴) ای حریم بازگشت کعبه مُلک و مُلک!

۶۲. کدام آرایه در بیت زیر به کار نرفته است؟

«وقت گل است، ای ماهوش، در وقت گل خوش باش، خوش

- (۱) مجاز
- (۲) تشخیص
- (۳) واج‌آرایی
- (۴) تشبیه

(ریاضی ۸۹)

۶۳. در کدام گزینه همه ترکیب‌ها «اضافه تشبیهی» است؟

- (۱) گوشه کلاه - روی ماد - روی تعظیم - قبه عرش
- (۲) ابروی پندگان - جمال عشق - اوج بلاغت - تقصیر خویش
- (۳) دروگر زهان - عصا تاج - شهید فایق - موسم ربیع
- (۴) بنات نبات - بحر مکاشفت - مهد زمین - تیر مزگان

(زبان ۹۷)

۶۴. در کدام بیت تشبیه و استعاره، هر دو، وجود دارد؟

- (۱) پشت هر شادی غمی بنهفته بنگر که آسمان
- (۲) از زبان سوسن آزادام آمد به گوش
- (۳) به تولای تو در آتش محنت جو خلیل
- (۴) شکر بر خویشتن خندد گر آن ماه

۶۵. کدام بیت، فاقد استعاره، است؟

- (۱) جور است که در جام فشانند به جز می
- (۲) خاک سر راهت شدم ای لعبت جلاک
- (۳) با چشم تو آسوده‌ام از فتنه ایام
- (۴) از عکس رخت دامن آفاق، گلستان

۶۶. در چند بیت آرایه تشبیه وجود دارد؟

- (الف) مرغ سحر نیم‌شب از صف بستان گریخت
- (ب) تا دلم خوش کردی از امید بیکان ریختن
- (ج) دل پروانه صفت گرچه پر و بال بسوخت
- (د) گر بهاران گسترده در باغ فرش زمردین
- (ه) و یا به ابر گهربار، درفشان گفتن
- (و) آید از مهد زمین طفل نباتی بیرون

- (۱) شش
- (۲) چهار
- (۳) سه
- (۴) پنج

۶۷. آرایه‌های بیت «چه غم دیوار اُمت را که دارد چون تو پشیمان / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیمان» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) کنایه، تشبیه، مراعات نظیر، جناس
- (۲) تشبیه، جناس، مراعات نظیر، حس آمیزی
- (۳) استعاره، تشبیه، تلمیح، مراعات نظیر
- (۴) تلمیح، استعاره، تشبیه، کنایه

۶۸. ارزش موسیقایی سجع کدام گزینه از سایر گزینه‌ها کم‌تر است؟

- (۱) برده تاموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.
- (۲) عصا تاجی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمايي به تربیتش نخل یاسق گشته.
- (۳) درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.
- (۴) هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید، مغزخ ذات.



۶۹. در کدام گزینه آرایه سجع وجود دارد؟

- (۱) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.
 (۲) دست انابت به امید اجابت به درگاه حق جل و علا بردارد.
 (۳) چون به درخت گل رسم، دامنم پر کنم هدیه اصحاب را.
 (۴) طاعتش موجب قربت است و به شکراندرش مزید نعمت.

۷۰. واژه‌های کدام گزینه در سجع عبارت زیر تأثیرگذار هستند؟

- «موجود نفس‌های جوانمردانی!
 از نزدیک نشانت می‌دهند و برتر از آنی
 گفتم صنما! مگر که جانان منی!
 (۱) نفس‌ها - دل‌ها (۲) منی - منی
 حاضر دل‌های ذاکرانی
 و از دورت می‌پندارند و نزدیک‌تر از جانی!
 اکنون که همی نگه کنم جان منی!
 (۳) جانان - جان (۴) گفتم - کنم

(زبان ۹۷)

۷۱. آرایه‌های «استعاره، تشبیه، اغراق، مجاز، کنایه، تلمیح» در کدام بیت آمده است؟

- (۱) نو عروسران چمن را که جهان‌آرایند
 در موی میانم سخنی نیست که خود نیست
 (۲) صبر چون پروانه باید کردنت بر داغ عشق
 (۳) خواهی که بر نخیزدت از دیده رود خون
 (۴) با گل روی تو بازار لطافت بشکست
 لیکن سخن از هست در آن پسته‌دهان است
 ای که صحبت با یکی داری نه در مقدار خویش
 دل در وفای صحبت رود کسان میند

(کانون فرهنگی آموزش)

۷۲. در کدام بیت هر دو آرایه مقابل آن درست است؟

- (۱) من بی خودم از ضعف، حریفان برسائید
 (۲) پروانه راحت بده ای شمع که امشب
 (۳) می‌کند باد صبا طفل چمن را در خواب
 (۴) کشتی است جام یاده و غم بحر پر ز موج
 دستم به گریبان که بشد دامنم از دست (کنایه - تشبیه)
 از آتش دل پیش تو چون شمع گدازم (مراعات نظیر - ایهام)
 ورنه مهد شجرش بهر چه جتبان باشد (استعاره - حسن تعلیل)
 کشتی روانه ساز کزین ورطه بگذریم (تشبیه - تلمیح)


 بسته معنی و مفهوم (قرابت)

۷۳. از کدام بیت فراگیری و شمول رحمت الهی دریافت می‌شود؟

- (۱) پای خجلت را روایی نیست بر درگاه تو
 (۲) گر گناهم سخت بسیارست رحمت نیز هست
 (۳) بخشش عامست و می‌بخشی سزای هر کسی
 (۴) گفته‌ای: بر زاری افتادگان بخشش کنم
 دست حاجت پیش می‌دارم، خداوند، ببخش
 بر گناه سخت بسیارم، خداوند، ببخش
 گر به بخشایش سراوارم، خداوند، ببخش
 اینک آن افتاده زارم، خداوند، ببخش

۷۴. مفهوم کلی مصراع مشخص‌شده کدام بیت نادرست است؟

- (۱) ای کریمی که از خزانه غیب
 (۲) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
 (۳) چه غم دیوار آفت را که دارد چون تو پشتیبان
 (۴) گر کسی وصف او ز من پرسد
 گیر و ترسا وظیفه خور داری: فراگیر بودن بخشش خداوند
 تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری: توصیه به ترک غفلت و بی‌خبری
 چه پاک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان: اهمیت پیامبر(ص) در حفظ امت اسلامی
 بی‌دل از بی‌نشان چه گویند باز: غفلت عاشق از معشوق

۷۵. از کدام بیت مفهوم «قدرت الهی در آفرینش» استنباط می‌شود؟

- (۱) جز خدا کسی خالق تقدیر نیست
 (۲) شربت نوش آفرید از مگس نحل
 (۳) چه کاهد و چه فزاید به قدرت از دو جهان
 (۴) شما و هرچه مراد شماست در عالم
 چاره تقدیر از تدبیر نیست
 نخل سوار کند ز دانه خرما
 ز دانه‌ای دو کم و بیش کی شود خرمن
 من و طریق خداوند مبدأ و ایجاد

۷۶. همه ابیات یادآور مفهوم بیت «از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید؟» است. به جز:

- (۱) مرا باری به حمدالله چه قرص مه چه برگ که
 (۲) گر کسی شکرگزاری کند این نعمت را
 (۳) کی توان از عهده شکر تو بیرون آمدن
 (۴) «وحشی» از عهده شکر تو نیاید بیرون
 ز مستی خود نمی‌دانم یکی جو را ز قنطاری (مقدار زیاد)
 نتواند که همه عمر بر آید ز سجود
 شکر نعمت نعمتی دیگر بود از خوان تو
 عذر این خواهد اگر عمر امائی بدهد

۷۷. در همه ابیات به «طاعت خدا» سفارش شده است. به جز:

- (۱) جو «اوحدی» ز در بندگی مگردان رخ
 (۲) گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت
 (۳) اگر طاعت کند بنده خدایا بی‌نیازی تو
 (۴) اگر فرمانبری اسرار یابی
 که ضایعت نگذارد خدای بنده‌نواز
 گفتا تو بندگی کن کو بنده‌پرور آید
 وگر عصیان کند بنده به عذری باز بخشایی
 رموز حیدر کرار یابی

اکانون فرهنگی آموزش



۷۸. مفهوم کدام گزینه به بیت زیر نزدیک است؟

«ای مرغ سحرآ عشق ز پروانه بیاموز
 (۱) هر که در آتش عشقش نبود طاقت سوز
 (۲) نالیدن بلبل ز نوآموزی عشق است
 (۳) صبر چون پروانه باید گردنت بر داغ عشق
 (۴) نیست این پروانه را سامان شمع افروختن

۷۹. بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«آن‌گه شد هم بی‌خبر هم بی‌آثر
 (۱) گر اکنون ترک کنار خویش گیرم
 (۲) در دست ما ز مال جهان نیست خردم‌ای
 (۳) خواهی خیر از خانه به بازار نیفتد
 (۴) در مقامی که به یاد لب او می‌توشند

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»
 گو به نزدیک مرو کافت پروانه پر است
 هرگز نشنیدیم ز پروانه صدایی
 ای که صحبت با یکی داری نه در مقدار خویش
 می‌کند نظاره مهتاب و از خود می‌رود

(زبان ۹۷)

از میان جمله او دارد خیر،
 بسی بی‌برگی اندر پیش گیرم
 دایم خیره خانه ز بازار می‌بریم
 از بی‌خبران بگذر و در خانه ما باش
 سفله آن مست که باشد خیر از خویشتنش

۸۰. بیت «این مدعیان در طلبش بی‌خبراند / کان را که خیر شد، خبری باز نیامد» یا مفهوم کدام بیت متناسب است؟

(۱) من نه کنون پا نهاده‌ام به خرابات
 (۲) دم نتوان زد به مجلسی که در آن‌جا
 (۳) واسطه را با تو هیچ رابطم‌ای نیست
 (۴) برده‌ تن را به دست شوق دریدم

بر سر این کوجه بوده‌ام ز اوایل
 مهر خموشی زدند بر لب قایل (نگوینده)
 کس به وصال تو چون رسد به وسایل
 تا نشود در میان ما و تو حایل

(زیادتی ۸۷)

۸۱. بیت زیر با کدام بیت، ارتباط مفهومی دارد؟

«این مدعیان در طلبش بی‌خبراند
 (۱) عاشقی را که چنین باده شگیر دهند
 (۲) خامی و ساده‌دلی شیوه جانبازان نیست
 (۳) در کوی وفا چاره به جز دادن جان نیست
 (۴) عشق در هر دل که شمع بی‌قراری بر فروخت

کان را که خیر شد خبری باز نیامد»
 کافر عشق بود گر نشود باده‌پرست
 خمیری از بر آن دلیر عجز بیار
 یعنی که محو در طلبش راه سلامت
 اولین پروانه‌اش مهر لب اظهار بود

(تجربی ۹۷)

۸۲. کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی ندارد؟

«هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی بر کند
 (۱) زبان ناطقه در وصف شوق لالان است
 (۲) خاطر ما وصف دانش چون تواند گفت چون
 (۳) از شناسایی حق لاف زدن، نادانی است
 (۴) نظر به درک جمال تو عاجز است و ضعیف

وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»
 چه جای کلک بریده زبان نبیده‌گوست
 ناطقه مدهوش و دل سرگشته، جان حیران اوست
 قسمت نقش ز نقاش، همین حیرانی است
 سخن به وصف جلال تو قاصر و حیران

اکانون فرهنگی آموزش

۸۳. مفهوم عبارت «گفت: به خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کتم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلیم چنان مست کرد که دامنم

از دست برفت.» از کدام بیت دریافت می‌شود؟
 (۱) قراری بسته‌ام با می‌فروشان
 (۲) چنان پر شد فضای سینه از دوست
 (۳) من آن مرغم که هر شام و سحرگاه
 (۴) قدح پر کن که من در دولت عشق

که روز غم به‌جز ساغر نگیرم
 که یاد خویش گم شد از ضمیرم
 ز بام عرش می‌آید صفیرم
 جوان‌بخت چه‌انم گرچه پیرم

(هنر ۹۴)

۸۴. عبارت زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

(۱) هر کجا سرو قدی چهره جو یوسف بنمود
 (۲) هر کسی بی‌خویشتن جولان عشقی می‌کند
 (۳) صورت یوسف، نادیده صفت می‌کردم
 (۴) تو یا این مردم کوتاه‌نظر در چاه کنعانی

«گفت، به خاطر داشتیم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کتم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلیم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

عاشقی سوخته خرمن جو زلیخا برخاست
 تا به جوگان که درخواهد فتادن گوی دوست
 چون بدیدیم زبان سخن از کار برفت
 به مصر ا، تا پدید آیند یوسف را خریداران

۸۵. بیت «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان» با کدام گروه ابیات، مفهومی مشترک دارد؟ (ریاضی ۸۷)

- الف) گر هزاران دام باشد در قدم
ب) دست در دامن مردان زن و اندیشه مکن
ج) از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم
د) هر دلی کز قیل شادی او شاد بود
ه) هر که در سایه عنایت اوست
و) نه غم و اندیشه سود و زیان
ز) چون عنایات بود با ما مقیم
- چون تو با مایی، نباشد هیچ غم
هر که با نوح نشیند چه غم از طوفانش
و ز لوح سینه هرگز نقش نگشت زایل
گرش طوفان غمان ببارد، غمگین تکند
گنهد طاعت است و دشمن دوست
نه خیالی این فلان و آن فلان
کی بود بیمی از آن دزد لئیم؟

۱) الف - ب - ج ۲) د - ج - ب ۳) ه - و - ز ۴) ه - الف - ز

۸۶. مفهوم «گر کسی وصف او زمن پرسد / بی دل از بی نشان چه گوید باز» با همه ابیات به استثنای بیت تناسب دارد. (هنر ۹۱)

- ۱) آن دهان نیست که در وصف سخن دان آید
۲) چون سخن در وصف این حالت رسید
۳) خدای را به صفات زمانه وصف مکن
۴) وصف خوبی او چه دانم گفت
- مگر اندر سخن آبی و بدالم که لب است
هم قلم بشکست و هم کاغذ دریند
که سه وصف زمانه است هست و باید و بود
هرچه گویم هزار چندین است

۸۷. بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟ (زبان ۹۷)

- «عاشقان کشتگان معشوقند
عشق برداشت ز کوچک دلی از خاک مرا
به آه و ناله گفتم دل تپی سازم ندانم
خوش کن به شور عشق دهن تا چو ماهیان
کار غیور عشق شراکت پذیر نیست»
- بر نیاید ز کشتگان آواز
ور نه ویرانه من قابل تعمیر نبود
که عشق اول زبان زین لشکر خون خوار می گیرد
در مشرب تو تلخی دریا شود لذیذ
دل را به نقد از همه کار جهان برآر

۸۸. هر دو بیت کدام گزینه با ابیات زیر قرابت مفهومی دارند؟ (زبان ۹۷)

- «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند
همه از بهر تو سر گشته و فرمان بردار
الف) چو مردان راز با جان باز دیدند
ب) طمع از خوردن این جا بر که جانی
ج) مئو قانع که تو دَرّ لطیفی
د) نه مه باشد نه خورشید منور
ه) تو آن ذاتی که کردند سجده
- تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری
به کلی خود طمع از نان بریدند
چرا چندین تو اندر بند نانی
نکو بنگر که بس ذات شریفی
نباشد نور مه رخشنده اختر
تویی از آفرینش عین زنده

۱) الف - ب ۲) ج - د ۳) ب - ه ۴) ج - ه

۸۹. در کدام بیت به صفتهای برشمرده در بیت زیر اشاره‌ای نشده است؟

- «شَفِیْعُ مَطَاعٌ نَبِیُّ کَرِیْمُ
۱) هر کس قسم بدان چه عزیز است می خورد
۲) ور خود ز نقش مهر نبوت سخن رود
۳) سیاح درک باصرة عقل کی رسد
۴) ماه بود عکسی از جمال محمد
- قَسِیْمُ جَسِیْمُ نَسِیْمُ وَ سِیْمُ
سوگند کردگار به جان محمد است
آن نیز نامور ز نشان محمد است
جایی که جلوه گاه جمال محمد است
مشک شمیمی ز زلف و خال محمد

۹۰. مفهوم عبارت «واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که ما عرفناک حَقَّ مَعْرِفَتِک» با کدام بیت تناسب دارد؟ (انجری ۹۳)

- ۱) مردی غریق گشته بحر تحیرم
۲) تو در چاه تحیر مانده وز بهر خلاص تو
۳) ز ماه خانگی آن را که دیده روشن نیست
۴) وصل خورشید به شب پره اعمی (نابینا) ترسد
- رندی غریب مانده به کوی قلندرم
خیال او رسن در دست بر بالای چاه اینک
جلای دیده ز گلگشت ماهتاب خوش است
که در آن آینه صاحب نظران حیراند

۹۱. کدام بیت با عبارت «ما عبَدناک حَقَّ عِبَادَتِک» قرابت مفهومی کم تری دارد؟

- ۱) چو بندگی نتوانم همی به جای آورد
۲) گر خود ز عبادت استخوانی در پوست
۳) کاملان در راه خود خون خورده اند
۴) ما که ایم، از ما چه آید در طریق بندگی؟
- به عجز می کنم از حق بندگی اقرار
زشت است اگر اعتقاد بندی که نکوست
ببندگی و حق گزاری کرده اند
«واعظ» از حق کن طلب توفیق این خدمت تمام



۹۲. مفهوم عبارت «ما عرفناک حق معرفتک» در کدام بیت تکرار شده است؟

- ۱) یکی ظاهر که باطن از ظهور است
 - ۲) نه هرگز کبریایش را بدایت
 - ۳) ز کُنه ذات او کسی را نشان نیست
 - ۴) چو در هر دو جهان یک گردگار است
- یکی باطن که ظاهرتر ز نور است
نه ملکش را سرالجام و نهایت
که هر چیزی که گویی این است، آن نیست (کُنه ذات)
تو را با کار چار ارکان چه کنار است؟

۹۳. کدام بیت با عبارت زیر تناسب مفهومی بیش‌تری دارد؟

«یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فروبرده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛ آن‌گه که از این معاملت باز آمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟» گفت: «به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی یُو کنم هدیهٔ اصحاب را، چون برسیدم، بوی کُلم چنان مست کرد که دامنم از دست پرفت.»

- ۱) از من نشان دل طلبیدند بی‌دلان
 - ۲) دلا تا تو زمن دوری نه در خوابم نه بیدارم
 - ۳) هر سوی نشانی است ز مخلوق به خالق
 - ۴) دل قوی باشد چو دامن پاک باشد مرد را
- من نیز بی‌دلیم، چه نوازم نسوای دل؟
نشان بی‌دلی پیداست از گفتار و کردارم
قانع نشود عاشق بی‌دل به نشانی
ایمنی ایمن چو دامن پاک گشت و دل قوی

۹۴. در قطعهٔ زیر، مقصود از «تقصیر»، کوتاهی در است.

- «بندۀ همان به که ز تقصیر خویش
ور نه سزاوار خداوندیش
توبه ۱) شکرگزاری ۲)
- عذر به درگاه خدای آورد
کس نتواند که به جای آورد»

(کانون فرهنگی آموزش)

۹۵. قلمرو فکری و معنایی همهٔ بیت‌ها به‌جز گزینه با بیت زیر، مشترک است.

- ۱) عذر تقصیر خدمت آوردم
 - ۲) چه برخیزد از دست تدبیر ما
 - ۳) گر شود جاوید جانم عذرخواه
 - ۴) تو دالی چه حاجت به تقریر ماست
- عذر به درگاه خدای آورد
که ندارم به طاعت استظهار
همین نکته بس عذر تقصیر ما
هم نیارد خواست عذر این گناه
امید کرم عذر تقصیر ماست

(هفترا ۹۳)

۹۶. عبارت «باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده»، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) درسیافت‌خانهٔ خوان‌نوالش (لقمه‌اش) منع نیست
 - ۲) پس تو را منت ز مهمان داشت باید بهر آنک
 - ۳) دریغاً که بر خوان السوان عمر
 - ۴) همانا که بی‌نعمت او به گیتی
- در گشاده است و صلا در داده، خوان انداخته
می‌خورد بر خوان انعام تو نان خویشتن
دمی چند خوردیم و گفتند پس
در این سال‌ها کس نیاراست حوالی

۹۷. مفهوم عبارت «باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده»، به مفهوم کدام بیت نزدیک است؟ (خارج از کشور ۸۸)

- ۱) از سلغمه مخلواه هیچ زنه‌هار
 - ۲) روزی ز خرائد کسبی خواه
 - ۳) گر ترک طمع کنی، نباشد
 - ۴) نی محنت عشق دیده هرگز
- که اطلس نشود پلاس هرگز
گاو را نبود مکاس هرگز (مکاس: چانه زدن)
ای دل ز گشت هراس هرگز
نی جور بتان کشیده هرگز

۹۸. کدام بیت هیچ ارتباطی با عبارت «باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده»، ندارد؟

- ۱) خاشاک راه دانش در پای جود او
 - ۲) باران رحمت تو به هر گوشه می‌رسد
 - ۳) گشاده کن به کرم دست خود، که در گیتی
 - ۴) تو را رحمت فراوان است و ما لرزان ز بی‌برگی
- هر گوهر نفیس که در گنج پادشاست
او هم به کوی توست، بر او هم بیار، چیست؟
کلید گنج الهی گشایش است و گشاد
تو را اندیشهٔ عفو است و ما ترسان ز رسوایی

۹۹. معنی کدام عبارت نادرست است؟

- ۱) درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته: خداوند به‌دلیل آنکه به درختان خلعت و عیدی داده باشد آن‌ها را لباسی از برگ پوشاند.
- ۲) فراش یاد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده: خداوند به یاد صبا که چون فراشی است دستور داد که سیزده‌ها را بر زمین فرش کند.
- ۳) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاد: بهار با فرارسیدنش چهرهٔ طبیعت را عوض کرد و کلاهی از شکوفه بر سر جوانه‌ها نهاد.
- ۴) گفت: «به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی بر کتم هدیهٔ اصحاب را!» گفت: «به یاد داشتم که وقتی به معشوق برسم باید خبر و بویی از او به رسم هدیه برای دوستان ببرم.»

آزمون فصل اول

۱۷۰ کاربرد معنایی واژه «وجه» در کدام گزینه با بیت زیر یکسان است؟

- وجه خدا اگر شهودت منظر نظر / زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی
 (۱) ساقی بیمار می‌رسد و وجه می‌نماید / فکری بکن که خون دل آمد ز غم به جوش
 (۲) نزدیک من آن است که هر جرم و خطایی / کز صاحب وجه حسن آید حسن است آن
 (۳) راستی آن است که از هیچ وجه / من نه در این و نه در آن بوده‌ام
 (۴) بی‌وجه منرا در پی خود چند توانند / بودند بران عزم که مرسوم روی را

۱۷۱ در میان گروه واژه‌های زیر معنی چند واژه نادرست آمده است؟

- (جلال: بزرگواری)، (اعراض: آمدن)، (باسق: بالیده)، (بنان: سرانگشستان)، (ناک: خوشه انگور)، (جسیم: خوش اندام)، (وظیفه: وجه معاش)،
 (مُدام: می)، (درهم: مسکوک نقره)، (حدّ: مجازات شرعی)، (ادیب: آداب‌دان)، (ورق: برگ)، (مزید: افزون)،
 (۱) یک واژه (۲) دو واژه (۳) سه واژه (۴) چهار واژه

۱۷۲ در عبارت زیر چند غلط املایی دیده می‌شود؟

- در ادراک این بسی تعمّل کردم و مدت دراز در این تفکّر و تدبّر روزگار گزاردم و به حقیقت بشناختم که تا من در هیأت و صورت چنینم به
 مراد نتوان رسید و بر این غرض و منظور و اصل نتوانم شد و از اهل الم و رنج خواهم بود و هرچه خواهم به اجابت نخواهد پیوست.
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۷۳ نوع حذف در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد
 (۲) همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری
 (۳) چه غم دیوار است را که دارد چون تو پشیمان / چه باک از موج آن را که باشد نوح کشتیمان
 (۴) گرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است و او شرمسار

۱۷۴ شیوه بیان کدام بیت با سایر بیت‌ها متفاوت است؟

- (۱) هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی / کابین کیمیای هستی قنارون کند گندا را
 (۲) واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند / چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند
 (۳) دین و دل به یک دیدن باختیم و خرسندیم / در قمار عشق ای دل کی بود پشیمانی
 (۴) حسنت به ازل نظر جو در کنارم کرد / بشمود جمال و عاشق زارم کرد

۱۷۵ معنی ردیف در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) بُغ بجهای می‌گذشت راهزن دین و دل / در پی آن آشنا از همه بیگانه شد
 (۲) آتش رخسار گل خرمین بلبل سوخت / چهره خندان شمع اقیق پروانه شد
 (۳) گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت / قطره باران ما گوهر یکدانه شد
 (۴) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست / دل در بر دلدار رفت جان بر جانانه شد

۱۷۶ در کدام گزینه واژه‌ای به کار رفته است که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد؟

- (۱) عشق کو تا گرم سازد این دل رنجور را / در حریم سینه افروزد چراغ طور را
 (۲) فریب خال گندم‌گون او خوردم ندانستم / که خواهد ساختن این نقطه بی‌برگار عاشق را
 (۳) شکوه مهر خاموشی می‌خواست گیرد از لبم / ریختم در شیشه باز این بناده پرزور را
 (۴) پا منه بیرون ز حدّ خویش تا بینا شوی / نیست حاجت با عصا در خانه خود کور را

۱۷۷ در کدام گزینه هم حذف به قرینه لفظی و هم حذف به قرینه معنوی دیده می‌شود؟

- (۱) دو چشم باز نهاده نشستم همه‌تب / جو مستری و نگه می‌کنم ثریا را
 (۲) به جای سرو بلند ایستاده بر لب جوی / چرا نظر نکستی بار سروبالا را
 (۳) حلاوت سخن تلخ را ز عاشق پرس / ز ماهیان مطلب طعم آب دریا را
 (۴) به دوستی که اگر زهر باشد از دست / چنان به ذوق ارادت خورم که حلوا را

۱۷۸ آرایه‌های «ایهام» تمثیل، کنایه، مجاز و استعاره، به ترتیب در کدام عبارت یا بیت‌ها وجود دارد؟
 الف) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی زهانی
 ب) در درون جامعه تو ماری است یا کژدمی، خویشتن نگه دار.
 ج) گفت آگه نیستی کز سر درافتاد کلاه گفت در سر عقل یاید بی‌کلاهی عار نیست
 د) یا محتسبم عیب مگوید که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است
 ه) کم‌آواز هرگز نبینی خجل جوی مشک، بهتر که یک سوده گل

۱) د-ه-ج-الف-ب ۲) ه-د-ج-ب-الف ۳) الف-ج-ب-د-ه ۴) ج-ه-د-الف-ب

۱۷۹ آرایه‌های مقابل کدام گزینه صحیح است؟

۱) محتسب منی به ره دید و گریبانش گرفت
 ۲) گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی برم
 ۳) گفت: نزدیک است والی را سراي، آن‌جا شویم
 ۴) گفت دیناری بده پنهان و خود را وازهان
 ست گفت ای دوست این پیراهن است افسار نیست: (مراعات نظیر، کنایه)
 گفت: رو صبح ای، قاضی نیمه‌شب بیدار نیست: (تضاد، حسن تعلیل)
 گفت: والی از کجا در خانه خمار لیست؟: (کنایه، ایهام)
 گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست: (جناس تلم، کنایه)

۱۸۰ آرایه‌های مذکور در برابر تمام گزینه‌ها به‌جز صحیح است؟

۱) اگر پسای در دامن آری چو کوه
 ۲) صدقوار گوهرشناسان راز
 ۳) فراوان سخن باشد آگنده‌گوش
 ۴) حنجر کن ز نادان دهمرده‌گویی
 سرت ز آسمان بگذرد در شکوه (جناس - اغراق - کنایه)
 دهان جزیه لؤلؤ نکردند باز (مراعات نظیر - جناس - تشبیه)
 نصیحت بگیرد مگر در خموش (تضاد - مراعات نظیر - واج‌آرایی)
 چو دانایکی گوی و پرورده گوی (تضاد - مجاز - کنایه)

۱۸۱ مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

۱) جز یاد تو از نای من آواز نیاید
 ۲) بررسی که چگونگی چه گویم؟
 ۳) صاحب‌نظر از ضربت شمشیر نماند
 ۴) تا خیر دارم از او بی‌خبر از خویشتم
 هر چند نمایند جدا بند من از بند
 کز مرده بیرون نیاید آواز
 کان کسی که بمیرد ز وی آواز نیاید
 با وجودش ز من آواز نیاید که منم

۱۸۲ در همه بیت‌ها به‌جز بیت همانند بیت زیر «پروانه» نماد عاشق واقعی است.

«ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز»
 ۱) پروانه صفت سوختن از آتش عشقت
 ۲) هر که در آتش عشقت بود طاققت سوز
 ۳) بلبلان بی‌خبرند از اثر آتش عشق
 ۴) عاشق ثابت قدم، پروانه را دیدم که او
 کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
 بگذشت ز سر آب و ز پیمان نگذشتم
 گو به نزدیک سرو کافه پروانه پر است
 پس همین قرعه به نام پروانه زدند
 باحت جان در عشق و روی از شمع تابان برتافت

۱۸۳ بیت زیر با کدام گزینه قرابت مفهومی ندارد؟

«اگر پسای در دامن آری چو کوه»
 ۱) مرد را هر چند تنهایی کند کامل‌عبار
 ۲) گوشه‌گیری می‌کند ناقص‌عباران را تمام
 ۳) گوشه‌گرفتم ز خلق و فایده‌ای نیست
 ۴) اثر ز جنت در بسته در جهان گرهست
 صحبت یاران یکدل گیمیای دیگر است
 بی‌صدف صورت نبندد قطره را گوهر شدن
 گوشه چشمت سلای گوشه‌نشین است
 از آن کس است که بر روی خلق در بسته است

۱۸۴ کدام دو بیت با یکدیگر تناسب مفهومی دارند؟

الف) گوش آن‌کس نوشد اسرار جلال
 ب) تأمل‌کنان در خطا و صواب
 ج) کمال است در نفس انسان سخن
 د) بیدل گمان مبر که نصیحت کند قبول
 ه) گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من
 و) نیاید سخن گفت ناساخته
 گاو چو سوسن صد زبان افتاد و لال
 به از زازخایان حاضر جواب
 تو خود را به گفتار ناقص مکن
 من گوش استماع ندارم لمن تقول
 آن‌چه البته به جایی نرسد فریاد است
 نشاید برسدن لب‌نشداخته

۴) د-و

۳) د-ه

۲) ب-و

۱) الف-ه

۱۸۵ مفهوم بیت زیر با همه بیت‌ها به جز تناسب دارد

گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی برم
 (۱) تو کی بشنوی ناله دادخواه
 (۲) تو شب در خواب متی و مرا تا روز بیداری
 (۳) تو خفته خستک در حرم بیروز
 (۴) به خواب اندر است ای برادر ستمگر

۱۸۶ کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

گفت: نزدیک است والی را سرای، آن‌جا شویم
 (۱) صت از ابی نمود هشیارش‌دان
 (۲) واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند
 (۳) نه منعم به مال از کسی بهتر است
 (۴) به عزت هر آن کوا فروتر نیست

۱۸۷ کدام گزینه با ابیات زیر قرابت معنایی دارد؟

چشم بداندیش که برکننده باد
 و در هنری داری و هفتاد عیب
 (۱) ز دشمنان شنو ای دوست تا چه می‌گویند
 (۲) عوام عیب کنندم که عاشقی همه عمر
 (۳) ملامت چه کنی ای رفیق در عشقش
 (۴) چشم محنون جو بختی همه لیلی دیدی

۱۸۸ کدام گزینه با بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی / همه بیشی تو بگاهی، همه کفی تو فزایی» قرابت معنایی ندارد؟

آن‌که عیب تو گفت، یار تو اوست
 (۱) یکی را به سر بر نهد تاج بخت
 (۲) آن‌که را کردگار کرد عزیز
 (۳) درد پنهان به تو گویم که خداوند منی
 (۴) و آن که پوشیده داشت، صار تو اوست
 یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
 نتواند زمانه خوار کند
 یا نگویم که تو خود مطلق بر اسرار

۱۸۹ مفهوم بیت «لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی» به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟

خود نه زبان در دهان عارف مدهوش
 (۱) حمد و ثنا می‌کند که سوی بر اعضا
 (۲) توحیدگوی او نه بینی‌ادم‌اند و بس
 (۳) تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او
 (۴) در آتش از خیال رختن نست می‌دهد
 هر یلبلی که زمرمه بر شاخسار کرد
 همه گویند و یکی گفته نباید ز هزار
 ساقی بیا که نیست ز دوزخ شکایتی

۱۹۰ کدام گزینه با بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی / همه بیشی تو بگاهی، همه کفی تو فزایی» تقابلی معنایی دارد؟

یکی را که در بند بینی مخند
 (۱) مبادا که روزی در لغتی به بند
 (۲) عزیزی که هرگز درش سر نیافت
 (۳) آن‌که را کردگار کرد عزیز
 (۴) آن‌که عیب تو گفت یار تو اوست
 به هر در که شد هیچ عزت نیافت
 نتواند زمانه خوار کند
 آن‌که پوشیده داشت، صار تو اوست

۱۴۵. گزینه ۲

مفهوم مشترک دو بیت: انتقاد از غفل بودن مردم

۱۴۶. گزینه ۴

مفهوم سایر ابیات: بیت ۱: بیداری و آگاهی و بویایی / بیت ۲: ارزش شب / بیت ۳: طلب توجه

۱۴۷. گزینه ۳ مفهوم مشترک: مستی و بی‌خبری همگانی

۱۴۸. گزینه ۱

نظر مست در بیت سؤال: من مشکلی در راه رفتن ندارم، راه هموار نیست، (ناسامانی اوضاع مملکت).

مفهوم بیت ۱: سخت اندوه مردم و شاعر در از دست دادن پادشاه

مفهوم سایر ابیات: ناسامانی اوضاع مملکت / ویرانی ایران

پژرسی ابیات: بیت ۲: ایران ویران مسکن در زمان شده است.

بیت ۳: ستم سب ویرانی یک مملکت است. هر کشوری که در آن ستم رواج داشته باشد، مثل ایران ویران می‌شود.

بیت ۴: کجایند ایرانیان و اجداد ما تا ببینند آن ایران آباد، اکنون ویران شده است.

۱۴۹. گزینه ۳ مفهوم بیت سؤال: رجحان باطن و اندیشه بر ظاهر و زیبایی

مفهوم بیت ۳: رجحان ظاهر و زیبایی بر باطن و اندیشه

مفهوم سایر ابیات: بیت ۱: آن کسی که به ظاهر و لباس اهمیت می‌دهد نادان است. بیت ۲: انتقاد از کسانی که با توانایی‌های ذهنی‌شان به ظاهر می‌اندیشند.

بیت ۴: تعجب از «از دست رفتن عقل و شعور»

۱۵۰. گزینه ۱ مفهوم بیت اول: ویژگی مست‌کنندگی چشم یار

مفهوم مشترک سایر ابیات: اهل شراب و مستی بودن محاسب که مأمور اجرای احکام شرعی است! (فساد مأموران دوره شاعر)

معنی ابیات: بیت ۱: اگر محاسب در میخانه را بست دغدغه‌های نداریم، زیرا چشم یار چون شراب سبب مستی است. / بیت ۲: از این به بعد شعر عاشقانه و شادی‌بخش چون شراب می‌سراییم، زیرا محاسب نیز مثل ما اهل شراب و میخانه شده است. / بیت ۳: وقت (اصطلاح صوفیان و عرفا) عاشقان تو خوش‌باد، زیرا آنان با محاسب هم‌پایاله شده‌اند. / بیت ۴: من مست و آلوده خاطرم و دغدغه مجازات محاسب را ندارم، زیرا او هم امروز مست و خراب در بازار می‌چرخد.

۱۵۱. گزینه ۴ معنی هر بیت: بیت اول: مانند انسان‌های کامل و واصل از وجود خود دست بگش تا عشق که مانند کیمیاست در نو که وجودت مثل مس بی‌ارزش است اثر کند و مانند طلا با ارزش شوی.

بیت دوم: اگر تو، عشق در وجودت بتابد به خدا قسم که از آفتاب هم با ارزش‌تر می‌شوی.

۱۵۲. گزینه ۴ پیام مشترک بیت سؤال و بیت ۴: اطاعت‌پذیری از پیر و مراد، و پیروی از رهبران عرفانی است.

۱۵۳. گزینه ۲ مفهوم بیت سؤال و گزینه ۲: مشترکاً هر گونه زیان و از جان گذشتگی در راه عشق زیان نیست، بلکه موجب سعادت و رستگاری است.

شرح سایر ابیات: بیت ۱: پشت با زدن به دنیا و خروج به عالم بالا / بیت ۳: وفاداری و تداوم عشق عاشق / بیت ۴: زودگذری عمر و ناکامی عاشق

۱۵۴. گزینه ۳ مفهوم مشترک ابیات: توصیه به ترک خودجهت وصال و تعالی یافتن در بیت گزینه ۳: فقط تناسب لفظی و کلماتی با سایر ابیات دارد.

۱۵۵. گزینه ۴ در بیت چهارم شاعر مدعی برتری خود است، لذا در سایر گزینه‌ها به مفهوم ارزش‌بخشی عشق اشاره شده است. / بیت صورت سؤال: از آفتاب فلک خوب‌تر شوی / گزینه ۱: عشق تو موجب عزت شد / با اکسیر عشق دلم طلا شد. / گزینه ۲: مهر و محبت و عشق مرا بالای عیوق برده است. / گزینه ۳: اکسیر عشق وجود بی‌ارزشم را تبدیل به طلای با ارزش کرد.

۱۵۶. گزینه ۳ معنی بیت ۳: از وقتی که عاشق و بی‌قرار زلف تو شدم تمام وجودم به فنا رفت.

مفهوم مشترک سایر ابیات: توصیه به برهیز از کاهلی و مستی و هوسرانی / توصیه به بویایی و حرکت

۱۳۵. گزینه ۳ مفهوم گزینه ۳: عقل قادر به درک صفات برتر و ذات اولی الهی نیست. مفهوم سایر گزینه‌ها: عقل لازمه زندگی، سعادت‌مندی و عاقبت‌به‌خیری است. (ضرورت داشتن عقل و بهره‌گیری از آن)

۱۳۶. گزینه ۲ بیت ۲: ترجیح عقل و رفتار عاقلانه بر ظاهر آراسته.

مفهوم سایر بیت‌ها به نوعی بیانگر بی‌عدالتی و اوضاع ناسامان جامعه است.

گزینه اول: والی از کجا در خانه خمار (میخانه) نیست

گزینه سوم: ره هموار نیست (ناسامانی)

گزینه چهارم: قاضی نیم‌شب بیدار نیست (بی‌عدالتی)

۱۳۷. گزینه ۳ مفهوم بیت ۳: نکوهش محاسب (بالذکی نوع مسئولان) توسط مست، بررسی سایر ابیات: گزینه ۱: در این بیت مست به برخورد حیوانی و تحقیر آمیز محاسب و مسئولان اعتراض می‌کند و می‌گوید به گونه‌ای یقلم را گرفتگی که انگار یلغام اسرار و من حیوان هستم!

گزینه ۲: در این بیت «هموار نبودن راه» همان اوضاع ناسامان جامعه است.

گزینه ۴: در این بیت، مست به محاسب می‌گوید که شراب حتی یک قطره‌اش حرام است و این را تو نمی‌دانی.

۱۳۸. گزینه ۳ در بیت ۴: زیاد نوشیدن یا کم نوشیدن شراب تأثیری بر مجازات شراب نوشی ندارد ولی محاسب، مست را به زیاد نوشی تهدید می‌کند.

۱۳۹. گزینه ۴ بیت بیانگر ناآگاهی محاسب از قوانین و مجازات اسلامی است.

۱۴۰. گزینه ۳ مفهوم مشترک دو بیت: فقر و عریانی مردم

در بیت صورت سؤال، محاسب می‌خواهد به عنوان جریمه پیراهن مست را بگیرد و مست می‌گوید من (ما) پیراهن بر تن ندارم و این که می‌بینی نقاشی پیراهن بر تن من است! در حقیقت مست می‌گوید: ما فقیریم.

همین فقیری و بی‌لویی در بیت سوم دیده می‌شود.

۱۴۱. گزینه ۴ مفهوم بیت ۴: سخن خود از تلق و رشوه‌گیری می‌داند

مفهوم مشترک سایر ابیات: نکوهش رشوه‌گیری و رشوه‌گیران

در بیت صورت سؤال محاسب از مست رشوه می‌طلبد و مست در پاسخ می‌گوید: در امور شرعی رشوه‌تری ندارد. در حقیقت مست در مقابل رشوه‌ور رشوه‌گیری ایستاده است. در سایر ابیات هم رشوه‌امری ناپسند و مذموم است.

۱۴۲. گزینه ۲ مفهوم کلی بیت سؤال: فساد حاکم و عمال حکومتی

مفهوم ابیات ۱، ۲ و ۴: فساد حاکم و عمال حکومتی

نکته: در کسب مفهوم کلی یک بیت، جزء (والی) را باید به کل (همه عوامل حکومتی) تبدیل کرد.

مفهوم بیت پاسخ: شاعر محاسب را ناآگاه از حال عاشقان می‌داند و می‌گوید که اگر محاسب هم جذب و لذت‌بخشی شراب عشق را بداند مثل ما می‌شود.

۱۴۳. گزینه ۴ مفهوم بیت ۴: در این بیت شاعر به محاسب می‌گوید «ای محاسب مرا تهدید به حد و شلاق نکن که من از شراب ظاهر مست نیستم» (بحث ناآگاهی دینی محاسب نیست)

مفهوم مشترک سایر ابیات: انتقاد از محاسب و ناآگاهی او از احکام دین

در بیت پرسش در آن قسمت پروین می‌گوید: «حرف کم و بسیار نیست»، منظورش این است که محاسب (مأمور اجرای احکام شرعی) هنوز نمی‌داند که شراب چه کم و چه زیاد حرام است. همین اتهام در ابیات دیگر هم دیده می‌شود: بیت ۱: خامی محاسب (ناآگاهی) / بیت ۲ و ۳: بردن رونق مسلمانی و ضد خدا بودن محاسب، یا افراط در اجرای احکام.

۱۴۴. گزینه ۱ مفهوم بیت ۱: توصیه به پایبندی به قانون

مفهوم سایر ابیات: بی‌قانون بودن شهر و کشور

می‌دانیم که قاضی نماینده قانون است و پروین می‌گوید که تنها قاضی (قانون) خوابیده است.

ماه این مفهوم وسعت می‌بخشیم و از سوی پروین می‌گوییم: در کشور قانون وجود ندارد. بررسی مفهوم ابیات: بیت ۲: قاضی اهل اخذ رشوه است. / بیت ۳: آه و فغان از مجربان قانون / بیت ۴: انتقاد از کمیون و قانون

۱۵۷. **گزینۀ ۲** مفهوم مشترک دو بیت: عاشق هیچ گاه زبان نمی‌بیند. معنی بیت گزینۀ ۲: اگر امروز در این دنیا به جان تو زیان برسد، از این ضرر جانی سودهای فراوانی در آن دنیا خواهی دید. در بیت چهارم به «امانت داری» توصیه شده است.
۱۵۸. **گزینۀ ۳** مفهوم مشترک دو بیت: عاشق در هیچ حال زبان و ضرر نمی‌بیند. معنی بیت گزینۀ ۳: اگر بروانه (عاشق) بال و پر خود (وجود عاشق) را از دست بدهد مشکلی نیست زیرا عشق (معشوق) به او بال و پری از جنس طلا می‌دهد.
۱۵۹. **گزینۀ ۳** مفهوم بیت: ۳: ایثار و پاک بازی و فداکاری عاشق مفهوم مشترک سایر ابیات: در قمار عشق قمارباز (عاشق) در هیچ حال نمی‌بازد و زیان نمی‌بیند.
۱۶۰. **گزینۀ ۲** مفهوم مشترک: لزوم راهنما در طی طریق عشق مفهوم کلی سایر ابیات: گزینۀ ۱: از بدی به خوبی گراییدن نشان توفیق حق است. گزینۀ ۳: دشواری راه عشق در حدی است که هر کسی نمی‌تواند این راه را بیاماید. گزینۀ ۴: بی‌قراری دل
۱۶۱. **گزینۀ ۲** مفهوم مشترک دو بیت: عاشق در هر حال زبان نمی‌بیند، بلکه سود می‌برد. مفهوم کلی سایر ابیات: گزینۀ ۱: کمال بخشی عشق / گزینۀ ۳: الهی شدن سبب صاحب‌نظری است. / گزینۀ ۴: لزوم راهنما در طریق عشق
۱۶۲. **گزینۀ ۲** مفهوم بیت: بخشش و کمک به دیگران پاداش آخروی به همراه دارد. مفهوم سایر بیت‌ها: عشق موجب کمال بخشی می‌گردد.
۱۶۳. **گزینۀ ۱** مفهوم بیت: فراوانی امکان شادی مفهوم مشترک سایر ابیات: بشارت و امیدواری این مفهوم در ابیات زیر بدین‌گونه دیده می‌شود: بیت ۲: این شب تاریک به پایان می‌رسد. / بیت ۳: ای مُرده، باران می‌رسد و سیراب و زنده می‌شوی. / بیت ۴: به جان ما از بوی جانان آرامش و آسایش می‌رسد.
۱۶۴. **گزینۀ ۲** مفهوم مشترک: ارزشمندی با عشق مفهوم گزینۀ ۲: «توصیه به تعجیل برای عاشق شدن»
۱۶۵. **گزینۀ ۴** مفهوم مشترک: ارزشمندی با عشق
۱۶۶. **گزینۀ ۲** پیام مشترک بیت صورت سؤال و گزینۀ ۲: آن است که زها کردن وجود مادی و دست نه دامن عشق شدن، کمال انسان را در پی دارد. تشریح گزینه‌های دیگر: گزینۀ ۱: ستایش تو، ستایشگر را تروتمند می‌کند. گزینۀ ۳: آفتاب وجود من، منی وجود دشمنم را تبدیل به طلا می‌کند. گزینۀ ۴: از بخشش الهی، وجود بی‌ارزش آدم، ارزشمند شد.
۱۶۷. **گزینۀ ۳** مفهوم مشترک: رقیبان عاشق آزار از نقرین عاشق در امان نیستند.
۱۶۸. **گزینۀ ۳** مفهوم مشترک: عاشق همیشه به عشق خود وفادار است حتی بعد از مرگ.
۱۶۹. **گزینۀ ۳** مفهوم مشترک: جان‌فشانی عاشق در راه عشق گزینۀ ۱: دوری از طمع‌ورزی / گزینۀ ۲: تقابل نیروی جسمی با عشق / گزینۀ ۴: وصال همیشه برای عاشق دست‌نیافتنی است.
۱۷۱. **گزینۀ ۴** تاک: درخت انگور، رز - بنان: سرانگشت، انگشت - اعراض: روگرداندن - مزید: افزونی. زیادی
۱۷۲. **گزینۀ ۲** شکل صحیح غلط‌های املائی: تأمل کردم - روزگار گذاردم
۱۷۳. **گزینۀ ۴** در این گزینه به دو مصراع به ترتیب فعل‌های: «بین» و «است» به قرینه لفظی حذف شده است. در سایر گزینه‌ها فعل‌ها به قرینه معنوی حذف شده‌اند. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ ۱: همان به است | که بنده ز تقصیر خویش به درگاه خدای عذر آورد. / گزینۀ ۲: همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار هستند. شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری / گزینۀ ۳: دیوار است را چه غم است | که چون تو پشتیبان دارد ... / گزینۀ ۴: کرم و لطف خداوندگار بین (کرم بین و لطف خداوندگار آیین) | بنده گنه کرده است و او شرمسار است |
۱۷۴. **گزینۀ ۲** شعر از نظر شیوه بیان دو گونه است: جد و طنز شیوه بیان حافظ در بیت مذکور در گزینۀ ۱۲: «طنز» است؛ شیوه بیان سایر ابیات جدی است.
۱۷۵. **گزینۀ ۴** بر جانانه شد: به نزد جانانه (معشوق) شد (= رفت) بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ ۱: ... از همه بیگانه شد (= گشت) / گزینۀ ۲: ... آفت بروانه شد (= گشت) / گزینۀ ۳: ... گوهر یکدانه شد (= گشت)
۱۷۶. **گزینۀ ۱** واژه «هم‌آوا» به واژه‌هایی گفته می‌شود که در تلفظ کاملاً یکسان باشند ولی در نوشتار و در معنی متفاوت باشند. / کو (کجاست) یا کاو (که + او) هم‌آوا است. / طور (نام کوهی) با تور (نوعی پارچه و ابزار صید) هم‌آوا است.
۱۷۷. **گزینۀ ۴** به دوستی اقسام می‌خورم | که اگر زهر باشد چنان به ذوق ارادت از دستت خورم که حلوا را | خورم | فعل‌های محذوف به ترتیب به قرینه معنوی و به قرینه لفظی حذف شده است.
۱۷۸. **گزینۀ ۱** بررسی آرایه‌های ادبی: ایهام بیت «ده» مدام (۱. شراب ۲. همیشه) / تمثیل بیت «ه» مصراع دوم ضرب‌المثل است. / کنایه بیت «ج»: «کلاه از سر افتادن» کنایه از بی‌آبرویی است. / مجاز بیت «الف»: «لب و دندان» مجاز از تمام وجود است. / استعاره بیت «ب»: «مار» و «کژدم» استعاره از نفس است.
۱۷۹. **گزینۀ ۱** بررسی آرایه‌های ادبی: گزینۀ ۱: مراعات نظیر: پیراهن و گریبان - محاسبه و مست / کنایه: گریبان‌گرفت (متمم کرد) / گزینۀ ۲: تضاد: شب و صبح / حسن تعلیل: ندارد / گزینۀ ۳: کنایه: مصراع دوم (فانسد بودن حاکم) / ایهام: ندارد / گزینۀ ۴: کنایه: مصراع دوم (رشوه نمی‌دهم) / جناس تام: ندارد
۱۸۰. **گزینۀ ۴** تضاد: دانا و نادان / کنایه: ده مرده‌گوی (پر حرف) / مجاز: ندارد بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ ۱: جناس: کوه و شکوه / اغراق: مصراع دوم / کنایه: پای در دامن آوردن (گوشه‌گیری) / گزینۀ ۲: مراعات نظیر: صدف، گوهر، لؤلؤ / جناس: راز و باز / تشبیه: صدف‌وار / گزینۀ ۳: تضاد: فراوان سخن و خموش / مراعات نظیر: سخن و گوش / واج‌رایی: حرف «گ»
۱۸۱. **گزینۀ ۱** حتی اگر تکه‌تکه‌ام کنند فقط نام تو را به زبان می‌آورم. در سایر گزینه‌ها مفهوم «سکوت» آمده است.
۱۸۲. **گزینۀ ۲** در سایر گزینه‌ها، پروانه از سوختن هراسی ندارد و در سوختن سکوت می‌کند. در گزینۀ ۲ پروانه در آتش عشق طاق‌ت ندارد و بر پروانه نقطه ضعف اوست.
۱۸۳. **گزینۀ ۱** هر چند تنهایی اسل را کامل می‌کند اما هم‌صحبتی دوستان از تنهایی بهتر است. مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: ستایش گوشه‌گیری و عزلت است.
۱۸۴. **گزینۀ ۳** مفهوم مشترک: نبودن گوش شنوا و ناتوانی در درک و دریافت
۱۸۵. **گزینۀ ۳** در این بیت «خفتن» به معنای آرامش و رفاه است؛ ولی در سایر گزینه‌ها «خفتن» به معنای «غفلت و بی‌خبری» است.
۱۸۶. **گزینۀ ۲** مفهوم مشترک: نکویش مدعیان دروغین و فساد پنهانی آن‌ها.
۱۸۷. **گزینۀ ۳** مفهوم مشترک: نگاه عاشقانه عاشق

پایه دوازدهم

آزمون فصل اول

۱۷۰. **گزینۀ ۲** وجه خدا: ذات خدا، وجود خدا صاحب وجه حسن: خداوند که صاحب بهترین وجه و ذات و وجود احسن است. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینۀ ۱: وجه من: هزینه و بهای می / گزینۀ ۳: از هیچ وجه: به هیچ صورت، به هیچ حال / گزینۀ ۴: بی‌وجه: بی‌دلیل، بدون توجه

دستور: یاری یار یار ← تکرار نداریم.

نهاد مکتبه مکتبه مکتبه

آرایه: ما زاده عشق و عشق شد مادر ما ← تکرار

دستور: ما زاده عشق و عشق شد مادر ما ← تکرار نداریم.

مشافیه نهاد

۲۰۳. **گزینه ۲** نیست؛ در بیت **گزینه ۲**، در معنی «وجود ندارد» آمده است، اما در گزینه‌های دیگر فعل اسنادی است.

۲۰۴. **گزینه ۴** با توجه به فید «دوش / دیشب» می‌توانیم بفهمیم که «می‌رسید» ماضی است و از نوع ماضی استمراری.

بررسی افعال سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: وقتی دشمن به ما می‌نگرد بد می‌بیند مضارع اخباری

گزینه ۲: بگذار تا ساعتی روی تو را ببینم؛ مضارع التزامی (بگذار تا می‌بینم ← بگذار تا ببینم)

نکته: در گذشته برای ساختن فعل مجهول به جای اشدن، از افعال

دیگر نظیر اگشته نیز استفاده می‌کردند.

گزینه ۳: کشته گشت ← کشته شد (ماضی ساده مجهول)

نکته: اگر فعل مضارع بدون «می» یا «ب» بیاید ما باید جمله را

بازگردانی کنیم. سپس، نوع آن را تشخیص دهیم؛ بگذار تا می‌بینم که ... ← بگذار تا ببینم

۲۰۵. **گزینه ۱** ترکیب‌های وصفی: دیگر شاعران، شاعران عالی‌رتبه، این دوره، دوره پر انحطاط، این شاعر، مقام بلند، مقام شایسته، کتاب‌های تحقیقی.

۲۰۶. **گزینه ۱** «را» در بیت اول نشانه مفعول است؛ بدسگالان و تشنه مفعول هستند. اما در سایر ابیات «را» از نوع فک اضافه است. به بازگردانی مصراع‌ها توجه کنیم: **گزینه ۲**: زیر پایه تختش برترین جای جهان است. (تعبیر دیگری نیز در مورد این بیت وجود دارد) / **گزینه ۳**: انگار گنج او قسمت همهٔ خلایق شد. / **گزینه ۴**: از شاهان کسی همسر تو نیامد و از امیران کسی همتای تو نباشد.

۲۰۷. **گزینه ۳** هم‌جو جنگ سر تسلیم و ارادت در پیش ادارم | به قرینه معنوی.

۲۰۸. **گزینه ۲** در بیت **گزینه ۲**: «می‌سوزد» به عنوان فعل ناگذر به کار رفته است. **گزینه ۱**: بر تو مهتاب کتان را می‌سوزاند. / **گزینه ۳**: غفلت من را می‌سوزاند. / **گزینه ۴**: داغ جذابی حگرم را می‌سوزاند.

۲۰۹. **گزینه ۱** داشت: پنداشتن. به حساب آوردن / مرا عزیز پنداشت

مفعول مستند

زمین را برای زمین

نمونه

۲۱۰. **گزینه ۴** اشاره به اختراع جمشید، چهارمین پادشاه پیشدادی یعنی «جام جم». او در این جام اوضاع جهان را مشاهده می‌کرد!

۲۱۱. **گزینه ۴** تشبیه: «سیلاب غم» غم مانند سیلاب است.

جناس تام: «دوش» در مصراع اول به معنی «دیشب» و در مصراع دوم به معنی «کتف» است.

در **گزینه دوم**: فقط «تشبیه» به کار رفته است «زنجیر زلف» که اضافه تشبیهی است. در **گزینه سوم**: «پاسخ تلخ» و «خنده شیرین» جناس آمیزی است و «نوش در نیش» هم «متناقض نما» است و این دو واژه «جناس» ناهمسان هستند.

۲۱۲. **گزینه ۱** ابهام و حس آمیزی چون به کار نرفتن برای رد گزینه‌های دو، سه و چهار قبلی مناسب.

استعاره: آغوش گل (اضافه استعاری)، حیلان و دل (استعاره از معشوق) / تشبیه: چون نکیهت از آغوش گل ... / تشخیص: آغوش گل / جناس: گل و گل / مجاز: «گل» مجازاً جسم و وجود

بررسی سایر گزینه‌ها **گزینه ۱**: عاشقی، عیب دوست و معشوق را هم هنر می‌بیند. / **گزینه ۲**: عاشقی عیب نیست، هنر است. / **گزینه ۳**: جمال معشوق را عاشقانه بین / **گزینه ۴**: خواب به چشم عاشق نمی‌آید، اگر هم بخوابد خواب معشوق را می‌بیند.

۱۸۸. **گزینه ۱** بررسی گزینه‌ها: **گزینه ۱**: تأکید بر گفتن عیب دارد، در حالی که در بیت سؤال عیب‌پوشی خداوند مطرح شده است. / **گزینه ۲**: مفهوم بیت با مصراع دوم یکسان است (عزت و ذلت دست خداست) / **گزینه ۳**: مفهوم بیت با مصراع دوم یکسان است (کسی را که خداوند عزت بدهد، روزگار هم نمی‌تواند خوار کند). / **گزینه ۴**: مصراع دوم با عبارت همهٔ غیبی تو بدانی، کاملاً یکسان است.

۱۸۹. **گزینه ۱** مفهوم مشترک بیت سؤال و **گزینه ۱**: حمد و ستایش خداوند با تمام وجود.

بررسی مفهوم سایر گزینه‌ها: **گزینه ۲**: همهٔ موجودات خداوند را ستایش می‌کنند. / **گزینه ۳**: ناتوانی انسان‌ها از ستایش در خور پروردگار / **گزینه ۴**: باتو از جهنم هم نمی‌ترسم.

۱۹۰. **گزینه ۴** در بیت سؤال «عیب‌پوشی» صفت مثبت و ستوده‌ای است که برای خداوند آمده است. در بیت «۴» اظهار عیب‌ها ستوده و پوشیده داشتن عیب نکوهش شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها **گزینه ۱**: اگر کسی را در اسارت دیدی به او مخند، ممکن است روزی تو هم مثل او اسیر و گرفتار شوی / **گزینه ۲**: عزت دست خداست، هر کس از غیر خدا عزت طلب کند، به عزت نخواهد رسید. / **گزینه ۳**: هر کس که خداوند به او عزت بدهد، روزگار نمی‌تواند او را خوار و ذلیل کند.

پایه دوازدهم

درس سوم

۱۹۱. **گزینه ۴**

۱۹۲. **گزینه ۱** وفاق (هم‌دلی، همراهی، اتحاد)

۱۹۳. **گزینه ۴** معنی درست واژه‌ها: سلسله‌جهان (محرک) - اجنسی (بگانه) - محفل (انجمن، مجلس، مجمع)

۱۹۴. **گزینه ۴** شکل درست واژه: نابز (لاستیک روی جرخ ماشین یا هواپیما).

۱۹۵. **گزینه ۳** شکل درست واژه‌ها: **گزینه ۱**: عَلم (سر علم؛ مشهور) / **گزینه ۲**: غلط ندارد / **گزینه ۳**: خار (بیخ) - آسم (درد و رنج) / **گزینه ۴**: بگذارم طواف (طواف را رها کنم)

۱۹۶. **گزینه ۱** شکل درست واژه: فراق (جدایی، دوری)

۱۹۷. **گزینه ۲** شکل درست واژه: اجل (مرگ)

۱۹۸. **گزینه ۴** بررسی سایر گزینه‌ها: **گزینه ۱**: روضه (باغ) - روضه رضوان (بهشت) / **گزینه ۲**: بگذارید (رها کنید) / **گزینه ۳**: ضغیر (صدا)

۱۹۹. **گزینه ۴** شکل درست واژه: قضا (سرنوشت)

۲۰۰. **گزینه ۲** عذر (خیانت) ← در عهد عذر کردن (در پیمان خیانت کردن)

۲۰۱. **گزینه ۱** کنیفه: غلیظ (معنی گذشته) ← چرکین (معنی امروزه)

۲۰۲. **گزینه ۴** علی گوی علی

مفعول تکرار متعین

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱:

نکته: ۱) نقش تکرار در واژه‌ها است نه جمله‌ها. به همین دلیل، تکرار فعل (که ذاتاً یک جمله است) را نقش تکرار نمی‌دانیم.

گزینه‌های ۲، ۳ و ۴:

۲) بین «آرایه تکرار» و نقش دستوری «تکرار»، باید فرق قائل شویم.

آرایه: یاری یار یار ← تکرار

۲۱۳. **گزینه ۲** که خوب رقص کنین، تلمیح و تشبیه دو آرایه‌ای هستند که ساره‌تر شناسایی می‌شوند. چون فقط گزینه «ب» و «د» تلمیح دارند. پس گزینه سه رو حذف می‌کنیم. تشبیه هم فقط در گزینه‌های الف و ب و وصور دارد. پس گزینه یک هم چون آفرین گزینه (که معادل تشبیه است) را «ج» گذاشته نمی‌تونه گزینه درست باشه. پس جواب، گزینه دو یا سه است. این دو گزینه هم که با «ج» شروع شده نشان می‌ده این بیت «ایها» دارد:

(۱) ج: ایهام (دور از تو؛ از تو دور باشد. دور از چشم تو)
 (۲) الف: حسن تعلیل (علت سرخی لب، شاعرانه است)
 (۳) د: تلمیح (اشاره به داستان فرهاد و شیرین)
 (۴) ب: بناگوش (چو سیم تو ...)

۲۱۴. **گزینه ۳** گزینه «۱»: کنایه: ساکن شدن روان (کنایه از به آرامش رسیدن) پارادوکس: «ساکن روان» / گزینه «۲»: تشبیه: «ساز عشق» (عشق مانند ساز است). جناس: «ساز، راز» و «ریز، راز» و «سوز، ساز» / گزینه «۳»: تشبیه: ندارد (ما که چیزی پیدا نکردیم!) / تشخیص: یاد غبار مرا از این در نمی‌تواند ببرد. / گزینه «۴»: جناس: «دام، دم، دم، هم، مجاز» / مجازاً یعنی «سخن» و در هر دو مصراع هم یک معنی دارد.

۲۱۵. **گزینه ۳** اثبات آرایه‌ها: (۱) کنایه: سبک‌دستی / اغراق: اغراق در میزان اشک (سیلاب) / استعاره: سبک‌دستی دریای رحمت (غیرمجاز) و غبار می‌تواند استعاره از کدورت و ناراحتی باشد. (۲) تشبیه: سیمین بدن (بدن به سیم یا نقره از نظر سفیدی تشبیه شده است) / مراعات‌نظیر: روی و بدن / تضاد: شوره‌زار - گلزار (۳) تلمیح: اشاره به داستان حضرت یعقوب (ع) و پیراهن حضرت یوسف (ع) و اشاره به معجزه‌آید بیضی حضرت موسی (ع) (کنایه و ایهام ندارد) (۴) تشبیه: می به گلگونه و ذقن به سبب / اسلوب معادله: مصراع دوم معادلی برای مصراع اول است / کنایه: سرخی از سبب شستن (کنایه از امر محال و غیرممکن)

۲۱۶. **گزینه ۳** تشبیه: دوران عمر ما همچون خزان است. / استعاره: خس و خاز: استعاره از افراد پست / صحرا: استعاره از دنیا / کنایه: بهاری داشتن: کنایه از شادی و به سامان بودن اوضاع / تضاد: بهار و خزان

۲۱۷. **گزینه ۴** الف: کنایه: مصراع اول: خاکساری (تواضع) / مصراع دوم: امر محال (ب) استعاره: در دل / در محراب (ج) تشبیه: طلعت و رخسار به ماه تشبیه شده است. / د) تشخیص: خون شبیم (اضافه استعاری) / ه) تناقض: آب خشک / و) کنایه: از برق آهستگی جستن و از سیلاب توقف و خودداری جستن کنایه از امر محال و غیرممکن.

۲۱۸. **گزینه ۳** مفهوم مشترک «پیام‌آوری باد صبا». در گزینه «۳» به استمداد از باد صبا برای رسیدن به محبوب اشاره می‌شود.

۲۱۹. **گزینه ۳** مفهوم مشترک ابیات، ترک تعلقات. در بیت سؤال فرخی بزدی دغدغه کم و بیش (تعلقات و مادیات) ندارد. در گزینه ۲ نیز شاعر می‌گوید: پیر شدی اما هنوز از تعلقات دست نکشیدی (به ترک تعلقات توصیه می‌کند).

۲۲۰. **گزینه ۳** مفهوم مشترک ابیات: آسایش و آرامش در فقر است. مفهوم کلی سایر ابیات: گزینه «۱»: مفهوم مقابل بیت سؤال / گزینه «۲»: دغدغه داشتن در اثر فقر / گزینه «۴»: ارزشمندی فقر

۲۲۱. **گزینه ۱** بیت سؤال و گزینه ۱ هر دو به بی‌تعلقی اشاره دارند (فارغ بودن از مادیات) شرح سایر ابیات: گزینه «۲»: دل نیستن به آن چه زودگذر است (نایابداری‌ها) / گزینه «۳»: فرزند حاصل خویشتن بودن / گزینه «۴»: نایابداری دنیا

۲۲۲. **گزینه ۲** در گزینه دوم بحث «صبر و تحمل» مطرح است.

۲۲۳. **گزینه ۱** قناعت مایه عزت و بلندی: و طمع مایه ذلت و خواری است. این مفهوم، مفهوم مشترک گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» است. اما گزینه «۱» می‌گوید: کسی که به افراد تهی‌دست و بی‌چیز هم طمع می‌ورزد و از آن‌ها چیزی می‌خواهد، از درخت بی‌حاصل سرو نیز انتظار میوه دارد.

۲۲۴. **گزینه ۲** گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴» بر «قناعت‌پیشگی» تأکید می‌کنند، اما در گزینه «۲» به معرفت‌اندوزی اشاره شده است.

۲۲۵. **گزینه ۴** مفهوم مشترک ابیات: توصیه به تلاش و همت و پویایی برای کسب موفقیت مفهوم بیت: اغراق در عظمت ممدوح

۲۲۶. **گزینه ۱** در هر دو بیت لزوم مرشد و راهنما مطرح شده است. در بیت پرش منظور از «طایر قدس» همان مرشد و راهنماست.

۲۲۷. **گزینه ۳** مفهوم مشترک: بی‌خبری از یار و آرزوی رسیدن خبر از او مفهوم کلی سایر ابیات:

(۱) شکوه از بی‌همدمی (۲) رسیدن خبر دوست و بی‌تحملی عاشق (۴) تجلی یار و دیدن او در پدیده‌ها و عدم لیاقت درک بعضی انسان‌ها

درس پنجم پایه دوازدهم

۲۲۸. **گزینه ۳** سربر (تخت پادشاهی، اورنگ، اوزند)

۲۲۹. **گزینه ۴** دل‌بند (اسیرکننده دل، جذاب، دلکش)

۲۳۰. **گزینه ۴** در گزینه چهارم «فسرده» یعنی «متجدد و بیخ‌زده» اما در سه گزینه دیگر به معنی «غمگین» است.

۲۳۱. **گزینه ۲** شکل درست واژه: طاعن (طعنه‌زننده)

۲۳۲. **گزینه ۲** شکل درست واژه: قالب (جسم)

از دلش رعد می‌گردد، جانش از آبر قالب (جسم مانند آبر) مثل برق می‌جهد از تن ... آذر: آتش

۲۳۳. **گزینه ۱** طبل غزا (طبل جنگی)

۲۳۴. **گزینه ۳** شکل درست واژه: سوز (چاربا)

۲۳۵. **گزینه ۳** حذف در بیت گزینه «۳» به قرینه لفظی و در سایر گزینه‌ها به قرینه معنوی است.

(۱) مگو چه سود است / ز سودای من که ...

(۲) به (بهتر) است / که جو شمع ...

(۳) من چنان عاشق روی تو ام: (عاشق روی تو هستم) که ز خود بی‌خبرم.

(۴) به خاک پای عزیزان اقسام می‌خورم / که ...

۲۳۶. **گزینه ۱** فعل کمکی «باید» جزء فعل مصراع دوم است «بنای ظلم را از ریشه باید برکند».

۲۳۷. **گزینه ۴** «داد» به معنی «عدل» اسم است و برای فعل «بستان» نقش «مفعولی» دارد. / خردمند «صفت» است / «دل» مضاف‌الیه است.

۲۳۸. **گزینه ۴** مشت در مصراع دوم نهاد است «آن مشت تویی هستی» / سرد، سیه، خموش و آوند در بیت اول، مسند هستند.

نکته زبانی در جمله‌های استنادی چنانچه نهاد و مسند هر دو اسم یا ضمیر باشند، چون تأکید بر نهاد است به این ترتیب عمل می‌کنیم. (نهاد + مسند = فعل اسنادی)

۲۳۹. **گزینه ۳** «خوش» دوم نقش تبعی تکرار دارد، یعنی در حقیقت مثل «خوش» اول نقش مسند دارد؛ زیرا واژه‌هایی که نقش تبعی دارند، همان نقشی را می‌گیرند که متبوع آن‌ها می‌گیرد. «گل» اول «مضاف‌الیه» است.

۲۴۰. **گزینه ۴** اثبات مسندها: گزینه «۱»: طایر سدره در طلیت طایر (مسند) نیست (= نمی‌باشد). / گزینه «۲»: همت او قاصر (مسند) نیست (= نمی‌باشد). / گزینه «۳»: دلم صابر (مسند) نیست (= نمی‌باشد). / در گزینه «۴»: نیست = معادل «وجود ندارد» است و مسندپذیر نیست. / برای برپاشی این سلسله پایانی / آخری (نهاد) وجود ندارد.

۲۵۱. **گزینۀ ۱** زال دنیا، اضافه تشبیهی، دنیا به پیرزن تشبیه شده است و نیز «مصر» به «چاه و زندان» تشبیه شده است. / دنیا سخت می‌گیرد: تشخیصی / تلمیح به داستان حضرت یوسف / ارباب صلاح: کنایه از انسان‌های پاک / در بیت «حسن آمیزی» وجود ندارد. گزینۀ‌های ۲ و ۳ حذف می‌شود و «ایهام» هم ندارد. پس گزینۀ ۴ هم حذف می‌شود.

۲۵۲. **گزینۀ ۳** حسن آمیزی: «حلاوت سخن تلخ» سخن شنیذنی است نه خوردنی. متناقض‌نما: «حلاوت سخن تلخ»، سخن تلخ نمی‌تواند شیرینی (حلاوت) داشته باشد. اسلوب معادله: مصرع دوم این بیت مصرع و متالی برای مصرع اول است. (می‌توانید بین دو مصرع «هم‌چنان‌که» قرار دهید) مراعات نظیر: «ماهی» و «دریا» در گزینۀ ۱؛ تشبیه وجود دارد (چو فرقدین... / فرقدین... هم‌نام دو ستاره است که نماد اوج و دوری هستند.

در گزینۀ ۲: در مصرع اول نسبت دادن «ایستاده» به سرو لب جوی می‌تواند «تشخیصی» ایجاد کند و «یار سرو بالا» تشبیه حساب می‌شود یعنی «یاری که بالای (قد) او مانند سرو بلند است».

در گزینۀ ۴: هم «زهر» و «حلو» تضاد دارند. نکته مهم این که اگر اول به سراع اسلوب معادله می‌رفتید، کار ساده‌تر می‌شد.

۲۵۳. **گزینۀ ۴** بیت چهارم تشبیه دارد. اما استعاره ندارد.

بررسی سایر بیت‌ها: گزینۀ ۱: دریای خون: تشبیه / افتاب: استعاره از اقتدار گزینۀ ۲: رخ به باغ و گلستان تشبیه شده است. / اقتد: استعاره از سخنان یار گزینۀ ۳: سر شتر عشق: اضافه تشبیهی / رگ روح: اضافه استعاری. روح به انسانی تشبیه شده است که رگ دارد.

۲۵۴. **گزینۀ ۳** استعاره: «لعل» استعاره از «لب» / ایهام ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر: گزینۀ ۱: تلمیح: مصرع دوم. اشارای است به داستان فرهاد، عاشق شیرین / حسن تعلیل: شاعر دلیل داغدار بودن لاله‌ها را سوگواری آن‌ها بر مرگ فرهاد دانسته است. / گزینۀ ۲: ایهام: «دور از تو» ۱- در هجران تو ۲- از تو دور باد (جمله دعایی) / تشبیه: آتش عشق / گزینۀ ۳: واج آرایی: تکرار واج «ش». در / اسلوب: معادله: مصرع دوم مضدقی و متالی برای توجیه مفهوم مصرع اول است.

۲۵۵. **گزینۀ ۱** تلمیح: بیت اشاره دارد به ماجرای دوری حضرت یوسف (ع) از پدرش حضرت یعقوب (ع) و... / جناس: -

بررسی آرایه سایر گزینه‌ها: گزینۀ ۲: استعاره ۱- تراوش کردن اسرار عشق از دل، استعاره کنایی است. (اسرار عشق به آب یا مایعی تشبیه شده که تراوش می‌کند) ۲- سینه دریا: استعاره کنایی (اضافه استعاری) / کنایه: پرده‌پوشی / کنایه از «پنهان کردن و مخفی داشتن» / گزینۀ ۳: واج آرایی: تکرار صامت‌های «س» (۵ بار)، «ر» (۵ بار) و مصوت بلند «ا» (۸ بار) / استعاره: سرو روان: استعاره از «معشوق» / گزینۀ ۴: ایهام: بگرفت ماه از او: ۱- موجب ماه گرفتگی شد (ماه: چهره معشوق). ۲- ماه: خط عذار یار را - که موجب زیبایی است - از یار وام گرفت. / تشبیه: تشبیه «خط عذار (چهره) یار» به «حلقه»

۲۵۶. **گزینۀ ۱**

۲۵۷. **گزینۀ ۳** اثبات مفاهیم موجود در ابیات:

گزینۀ ۱: وجود برف: کلاه خودی از سیم (برف) بر سر دماوند است. گزینۀ ۲: وسعت: این که کوه دماوند می‌تواند گنبد و قبه‌ای بر سر دنیا باشد. گزینۀ ۴: سفیدی و تیرگی: دماوند کلاهی از برف بر سر دارد (سفیدی) و این که کمربندی از خاک و سنگ (اهن) به کمر بسته است (تیرگی).

۲۵۸. **گزینۀ ۳**

۲۵۹. **گزینۀ ۲**

۲۶۰. **گزینۀ ۳**

۲۶۱. **گزینۀ ۱** لمبندت روی: رویت را نبیند. / روی تو، چشم بشر. دو ترکیب اضافی ولی در سبایر بیت‌ها هر کدام یک ترکیب اضافی وجود دارد. / گزینۀ ۲: گنبد گیتی / گزینۀ ۳: آتش درون / گزینۀ ۴: بنای ظلم / جهر دلیند، دیو سبید، دیو پای‌دریند، سوخته‌جان، یکی بند، بن بنا همگی ترکیبات وصفی هستند.

۲۶۲. **گزینۀ ۴** ترکیب‌های اضافی: گزینۀ ۱: صامت (مضاف) ش (مضافیه) / گزینۀ ۲: تکرار (مضاف) واج (مضافیه) / گزینۀ ۳: مصوت (مضاف) آ (مضافیه)

نکته:

- ۱ گاهی حرف، جایگاه اسمی می‌یابد و نقش اسم می‌گیرند
- ۲ اعداد چه پیش از اسم بیایند، چه پس از آن، نقش صفت دارند.

۲۶۳. **گزینۀ ۴**

«گفته شوم» فعل مجهول است: صلت مفعولی فعل گذرا به مفعول «شدن».

بررسی سایر ابیات: در ابیات دیگر واژه قبل از «شدن» یعنی دیوانه، زنده، بنده صفت مفعولی فعل گذرا به مفعول نیستند تا با «شدن» فعل مجهول بسازند، فقط شباهت ظاهری و املائی با صفت مفعولی دارند.

۲۶۴. **گزینۀ ۱** گزینۀ ۱: که توبه می‌کنم از کرده‌ها، تو (نهاد)، گفتی (فعل)، زه (مفعول) / در سبایر گزینه‌ها «تو گفتی» ادات تشبیه و قید است.

نکته:

تو گویی، گفتی، گویی، پنداری و... اگر تشبیه بسازند قید محسوب می‌شوند و ما نباید آن‌ها را با فعل اشتباه بگیریم به‌ویژه هنگام شطارش جمله.

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینۀ ۲: روی خسرو شاه انگاری یوسف بود (تو گفتی: انگاری)

گزینۀ ۳: انگاری گرد رنگاری بر آینه جینی است و انگاری موی سنجاب است... گزینۀ ۴: آسمان انگاری دریاست.

۲۶۵. **گزینۀ ۳** «خوش‌تر» مانند است فعل به قرینه معنوی حذف شده است. در بند خوب‌رویان بودن از رنگاری خوش‌تر است!

تشریح گزینه‌های دیگر: گزینۀ ۱: «یاد» بعد از حرف ندا قرار گرفته است (منادا) و «بی‌قراری» اسم است و بعد از کسره قرار گرفته است. (مضافیه) / گزینۀ ۲: حرف «را» به معنای «برای» به کار رفته و نشانه متمم است. (بعد از فراق، برای ما...) / گزینۀ ۴: «درد دلی بود» - «بود» به معنای «وجود داشت» است و «درد دل» نهاد جمله است. / «عشقت نام کردند» - آن‌را عشق نام کردند - آن (= ضمیر «ش») مفعول جمله است.

۲۶۶. **گزینۀ ۴** استعاره: «سادر (استعاره از «دماوند»)، کنایه: سرسبید (کنایه از: «پیر» / اسباب‌بخت (کنایه از: «انسان بدبخت و بیچاره»)، مجاز: سر (مجازاً: «موی سر»)

۲۶۷. **گزینۀ ۱** تلمیح (دیو سبید: اشاره به داستان دیو سبید شاهنامه)، تشخیص (ای دیو سبید، ای گنبد گیتی)، استعاره (دیو سبید: استعاره از دماوند)

۲۶۸. **گزینۀ ۳** روم استعاره از بلندی و کافور استعاره از برف است.

۲۶۹. **گزینۀ ۳** بیت اول: «پای دریند» کنایه از «اسیر» بیت دوم: «سوخته‌جان» کنایه از «خود شاعر» در بیت چهارم: «سوزد جانت» کنایه از این‌که «گفته می‌شوی».

۲۷۰. **گزینۀ ۲** آرایه تناقض در گزینه‌های دیگر: گزینۀ ۱: فتح ما در شکست خود است. / گزینۀ ۳: این دانه، خرمن عمر است. / گزینۀ ۴: سوختن دانه از نم احسان است.

۲۶۱. **گزینۀ ۲** بیزاری از خلق، موضوع اصلی طرح این تست است که علاوه بر بیستی که از درس انتخاب شده است، بیت گزینۀ دوم هم این موضوع را بیان می‌کند: «آزادگی را انتخاب کن که حتی اگر ملک جهان را به تو دهند این ملک یا پادشاهی به دیدن روی خلق نمی‌ارزد».

۲۶۲. **گزینۀ ۴**

۲۶۳. **گزینۀ ۲**

۲۶۴. **گزینۀ ۱**

۲۶۵. **گزینۀ ۳** بیت ۳، در زیر ابر ماندن دماوند را توصیف می‌کند. در حالی که تمامی بیت‌ها بیانگر اعتراض شاعر است به ظلم.

۲۶۶. **گزینۀ ۲** «معجز سپیده» نشانه ضعف و ناتوانی و «آوردن کبود» نشانه اقتدار است.

۲۶۷. **گزینۀ ۱** در گزینۀ اول «آتش» در معنی حقیقی است، ولی در سایر بیت‌ها، آتش استعاره از «درد و رنج» است.

۲۶۸. **گزینۀ ۱** همه گزینۀها به جز گزینۀ اول به مبارزه علیه ظلم اشاره دارد. گزینۀ اول خشم زمین از آسمان را به تصویر می‌کشد.

۲۶۹. **گزینۀ ۲** مفهوم مشترک ابیات: شکوه از آسمان و سرنوشت

پیررسی سایر ابیات: گزینۀ ۱: این فلک دیوبای و دیوماند را بشکن / گزینۀ ۳: ای مردم مرا از دست آسمان بی‌سرویا نجات دهید. / گزینۀ ۴: داد و فریاد از جفا، جور و نفاق پیشگی آسمان / مفهوم بیت ۴: مدح ممدوح

۲۷۰. **گزینۀ ۴** مفهوم مشترک ابیات: گوشه‌گیری و ترک مردم.

پیررسی ابیات: گزینۀ ۱: هر کسی غزلت اختیار کرد، مشکلات روزگار را از خود دور می‌کند. / گزینۀ ۲: به همان اندازه که آشنایی بین دو نفر برقرار است، جدایی نیز هست؛ پس، خوشا کسی که از مردم جدا شود. / گزینۀ ۳: نخ دوستی با مردم را قطع کردن = به آرزوی خود رسیدن. / گزینۀ ۴: توصیه به مدد رسانی و کمک‌رسانی به مردم (مفهوم مقابل بیت مورد پرسش)

۲۷۱. **گزینۀ ۲** در ابیات پرسش، شاعر علت ارتفاع یافتن (بیت دوم) دماوند را میسل دماوند به جدایی از مردم نحس دیوماند می‌داند. این مردم‌گریزی در ابیات دیگر نیز مشهود است.

اقتا در گزینۀ ۲، صائب معتقد است که هر که خود را از مردم جدا بداند او انسان محسوب نمی‌شود.

۲۷۲. **گزینۀ ۴** مفهوم ابیات پرسش: شکوه و ناله از آسمان / اعتقاد به تأثیر آسمان در سرنوشت انسان

پیررسی مفهوم سایر ابیات: گزینۀ ۱: خاک بر سر آسمان یا این همه ستمش. / گزینۀ ۲: آسمان چون آسیابی مرا خرد می‌کند. / گزینۀ ۳: ای آسمان از زندگی سخت و مردن من چه سودی می‌بری؟ / مفهوم بیت ۴: سنگینی غم.

۲۷۳. **گزینۀ ۲** مفهوم مشترک: وجود حرف‌های ناگفته مانند عقده‌ای در دل می‌ماند و به هر شیوه‌ای باید آن را از دل بیرون راند. چه با اشک، چه با فریاد و اعتراض نیست به حاکم ظالم.

مفهوم سایر ابیات عموماً شکوه از بار است و طلب

۲۷۴. **گزینۀ ۳** اثبات مفاهیم گزینۀها: ۱) تقاضای مست‌زنی از دماوند برای ضربه به آسمان. ۲) از جور (ستم) آسمان، زمین سرد، سیه و آویزان است. ۳) دماوند کوهی است که از اجداد ما، پس از قرن‌ها به ما ازارت رسیده است.

۲۷۵. **گزینۀ ۴** مفهوم کلی ابیات پرسش و بیت گزینۀ ۴: توصیه به استفاده از قدرت و توانمندی و ترک سستی.

مفهوم سایر ابیات: ۱) خودانگاری (۲) تسلیم و رضایتمندی (۳) عدم تکیه بر مقام و مرتبه و ثروت

۲۷۶. **گزینۀ ۱** مفهوم مشترک ابیات: نابه‌سامانی اوضاع مملکت

مفهوم بیت ۱: دور بودن شاعر از وطن

۲۷۷. **گزینۀ ۲** مفهوم مشترک ابیات: توصیه به فریاد علیه ظلم و دادخواهی

۲۷۸. **گزینۀ ۴** مفهوم بیت مورد پرسش: «توصیه به تلاش و چابکی» که در گزینۀ اول برخلاف آن تأکید شده، آتو قلب یخ زده زمین هستی که بر اثر درد مدتی متورم شده‌ای!

۲۷۹. **گزینۀ ۴** مفهوم مشترک ابیات: تمام امور جاری در جهان به مصلحت و حکمت خداوند است.

مفهوم سایر ابیات: ۱) خداوند به هر کسی مطابق استعداد او کرم می‌ورزد. ۲) وصف دهان تنگ / ۳) وصف زیبایی رخ

۲۸۰. **گزینۀ ۴** در متن کتاب درسی «یک ماه به مادر زن زنگ زدن» کنایه از امر محال و ترسناک است.

۲۸۱. **گزینۀ ۴** در خاطره «خاکریز» فرمانده با تدبیر و عاقبت‌نگری خود موجب پیروزی و موفقیت شد.

در بیت ۴ نیز شاعر تدبیر را سب ظفر و پیروزی می‌داند.

۲۸۲. **گزینۀ ۴** مفهوم مشترک ابیات: توصیه به سخن به هنگام و به‌جا

مفهوم بیت ۴: بی‌فایده بودن افسوس خوردن

۲۸۳. **گزینۀ ۲** مفهوم: توصیه به سخن گفتن به هنگام و به‌جا

مفهوم ابیات دیگر: ۱) توصیه به چابکی در کارها و سنجیده‌گویی (۳) تأثیر سخن شیرین بار (۴) توصیف و تعریف خود

۲۸۴. **گزینۀ ۴**

مفهوم مشترک بیت و عبارت گزینۀ ۴: ناآگاهی زیردستان نسبت به آگاهی زیردستان / مفهوم سایر عبارات: گزینۀ ۱: امر محال / گزینۀ ۲: توکل / گزینۀ ۳: انتقادپذیری بزرگان

۲۸۵. **گزینۀ ۴**

مفهوم مشترک ابیات: توکل به خداوند و نتیجه آن.

مفهوم بیت آخر: نکوهش کسانی که ایمان سست دارند

پایه دوازدهم

آزمون فصل دوم

۲۸۶. **گزینۀ ۲** مفهوم مشترک: توکل به خداوند

مفهوم سایر ابیات: گزینۀ ۱: ترک خود، توجه به دل / گزینۀ ۳: برهیز از نظاره / گزینۀ ۴: همیشه به نیستی فکر می‌کنم

۲۸۷. **گزینۀ ۳** «شیر سپهر» (خورشید) با «شیر فلک» (خورشید) یکسان است. در سایر گزینۀها «شیر» به معنای همان «حیوان درنده» است.

۲۸۸. **گزینۀ ۲**

ستور: چهارپا، ستوران: چهارپایان / سعد: خوشبختی، مبارک

۲۸۹. **گزینۀ ۴** سریر (تخت پادشاهی) صحیح است.

۲۹۰. **گزینۀ ۲** «طافه پارچه - سلاح‌های سنگین - سریر ملک عطا» صحیح است.

۲۹۱. **گزینۀ ۱** پیررسی غلط‌های املائی: گزینۀ ۲: عن قریب / گزینۀ ۳: علف و خار / گزینۀ ۴: بهت و حیرت

۲۹۲. **گزینۀ ۱** صلاح: صحیح و درستی / سلاح: ابزار جنگ (اسم)

معنی بیت: چون قدرت و فرهنگ و صلاح ندیدم، دشمن را که دیدم، زود اسلحه را شکستم.

۲۹۳. **گزینۀ ۲** گزینۀ ۱: شاعر علت ارتفاع داشتن و در ابر فرورفتن دماوند را دوری از مردم زمانه می‌داند.

گزینۀ ۴: شاعر علت تشکیل دماوند را درد و ورم قلب زمین می‌داند.

گزینۀ ۴: شاعر علت وجود برف بر قلۀ دماوند را فروکش کردن درد و ورم قلب زمین می‌داند.

۲۹۴. **گزینۀ ۴** تلمیح: اشاره به داستان دیوسفید در شاهنامه / کنایه: پای در بند بودن / اغراق: اغراق در توصیف بزرگی دماوند (گنبد گیتی بودن دماوند)

۳۱۰. **گزینه ۱** هوش: بیداری و هوشیاری (حقیقت عشق) - بی هوش: عاشق مست

۳۱۱. **گزینه ۱** دامن گرفتن (متوسل شدن، پناه بردن)

۳۱۲. **گزینه ۳** در گزینه سوم، واژه «دستور» یعنی «اجازه» و در سایر گزینه‌ها به معنی «وزیر» است.

۳۱۳. **گزینه ۳**

شرح: یاره گوشنی که از درازا بریده باشند / اشتیاق: میل قلب است به دیدار محبوب. (در متن درس، کشش روح انسان خدا جو در راه شناخت پروردگار و ادراک حقیقت هستی) / سیر شدن: خسته شدن / بی‌روزی: بی‌نوا، درویش

۳۱۴. **گزینه ۲** معنی درست واژه‌ها:

بیگانه شدن: فرار سیدن هنگام غروب یاشب / تریاق: یادزهر، ضد زهر / استور: پوشیده

۳۱۵. **گزینه ۳** معنی درست واژه‌ها: مستمع: شنونده / پاک: هراس

۳۱۶. **گزینه ۳** همی خاست ← می‌خواست

۳۱۷. **گزینه ۲** شکل درست واژه: سیر (نخت پادشاهی)

۳۱۸. **گزینه ۱** شکل درست واژه‌ها: بیت اول (غیر (به‌جز)، نظیر (مانند) / بیت دوم) سور (جشن عروسی) / بیت سوم) عصیر (عصاره و چکیده)

۳۱۹. **گزینه ۲** شکل درست واژه: الحاح (اصرار و پافشاری)

۳۲۰. **گزینه ۱** شکل درست واژه‌ها: دنالت (ستی) / بهایم (چهارپایان)

۳۲۱. **گزینه ۲** شکل درست واژه: هایل (علتی هایل: مرضی ترساک)

۳۲۲. **گزینه ۱** شکل درست واژه: غذا

۳۲۳. **گزینه ۴** شکل درست واژه‌ها:

سفاهت (نادانی) / اوقاحت (بی‌شرمی) / امی گزارد (قرار می‌دهد) / اغربت (دوری از وطن) / محسوب نمی‌شود. فعل شد در گزینه ۱ به معنی (رفت) آمده است و فعل ربطی محسوب نمی‌شود.

مسئله در سایر گزینه‌ها: ۲- تالان / ۳- دور / ۴- سیر

۳۲۵. **گزینه ۱** گفتم حدیث مستان سز خدایی ای است.

اثبات سایر گزینه‌ها: ۲) گفتا: بگو (چه چیزی را گفت؟ - «بگو» را گفت) / ۳) خواجه (نهاد) چه (مفعول) ببند. چه - چه چیزی / ۴) حدیث مستان

مضاف‌الیه



نکته: اگر صفت علامت جمع بگیرد، اسم محسوب می‌شود.

۳۲۶. **گزینه ۳** «واو» در گزینه ۳، «واو عطف» است.

در سایر گزینه‌ها واو از نوع ربط است، زیرا بین دو جمله ارتباط برقرار کرده‌اند.

۳۲۷. **گزینه ۱** در بیت گزینه ۱، حرف «و» در مصراع اول، حرف ربط است.

جمله وابسته، غالباً با یکی از حروف ربط یا پیوند وابسته‌ساز مانند «که»، «اگر»، «تا»، «چنانچه» در صورتی که، هرچند... همراه است و یک بخش از جمله مرکب را تشکیل می‌دهد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: «چو» در معنی «وقتی که»، حرف ربط وابسته‌ساز است و همراه جمله وابسته به کار رفته است.

گزینه ۳: «که» حرف ربط یا پیوند وابسته‌ساز است.

گزینه ۴: «تا» پیوند وابسته‌ساز است و با جمله «وابسته» به کار رفته است.

۳۲۸. **گزینه ۴** «سخن» نقش مفعول دارد، پس فعل جمله «گفته‌اند» و ساده است.

بررسی سایر گزینه‌ها (۱) معطوف‌ها: غنایی، نمایی و تعلیمی



نکته: گاهی به جای واو عطف، ویرگول می‌آید.

۲) قدیم‌ترین طبقه‌بندی

صفت موصوف

۳) «بیش‌تر» قید است؛ زیرا از نقش‌های اصلی و فرعی، تبعی و... نیست!

۲۹۵. **گزینه ۳** سرای یافتن جناس تام باید تمرکزمان روی واژه‌های تکراری باشد، اما معنای آن‌ها باید متفاوت باشد.

«بری» ۱- فعل مضارع التزامی از مصدر بریدن (بری) ۲- فرشته

در سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: «دل» هر سه بار و به یک معنا تکرار شده است / گزینه ۲ و ۴: هیچ واژه‌ای عیناً تکرار نشده است

۲۹۶. **گزینه ۲** گزینه ۱: تضاد: است نه ... است. / گزینه ۳: حسن تعلیل: شاعر عفت سریع سیری شدن عمر را در کمین افتادش می‌داند. / گزینه ۴: متناقض‌نما: بی‌عمر زنده‌ام

۲۹۷. **گزینه ۳**

ترکیبات وصفی: ۱- لحظات اول، ۲- ارتفاعات موسوم، ۳- سلاح‌های زیاد

ترکیبات اضافی: ۱- لحظات عملیات، ۲- خطوط دشمن، ۳- پشت سر، ۴- سربازها، ۵- نیروهای ما، ۶- استقرار سلاح‌ها

۲۹۸. **گزینه ۳** داد - دل - مردم - خدمتند = هسته + مضاف‌الیه + مضاف‌الیه مضاف‌الیه + صفت مضاف‌الیه

پس در این ترکیب دو وابسته وابسته وجود دارد.

۱- مضاف‌الیه مضاف‌الیه (مردم)

۲- صفت مضاف‌الیه (خدمتند)

۲۹۹. **گزینه ۴** بررسی وابسته‌های وابسته: ۱- پنجه دست‌هایم (من) هسته + مضاف‌الیه + مضاف‌الیه مضاف‌الیه / ۲- جلوی خنده‌اش (او) هسته + مضاف‌الیه + مضاف‌الیه مضاف‌الیه / ۳- نوب این دشت: هسته + صفت مضاف‌الیه + مضاف‌الیه در گزینه چهار «صاحبش» و «قیمت مناسب» هر کدام فقط هسته + وابسته هستند.

۳۰۰. **گزینه ۱** مفهوم بیت: سوال: ایشار و جانبازی در راه وطن و اهمیت والای آن بررسی گزینه‌ها: گزینه ۱: ارزش و اهمیت والای وطن / گزینه ۲: فراوانی و سلطه غم بر وطن / گزینه ۳: علاقه به وطن / گزینه ۴: نگرانی از غربت و دوری از وطن

۳۰۱. **گزینه ۴** نفی جدایی و هجران است.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: سفارش به قناعت است.

۳۰۲. **گزینه ۴** مفهوم مشترک: اهمیت نویسندگان و ماندگاری جامعه یا قلم نویسندگان

۳۰۳. **گزینه ۳** مفهوم مشترک: کناره‌گیری از مردم و پنهان کردن چهره خود مفهوم سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: زیبایی معنوق و برتری آن بر خورشید / گزینه ۲: فراری شدن مردم از یکدیگر / گزینه ۴: آشکار بودن چهره خورشید به رغم پوشیدن‌ها

۳۰۴. **گزینه ۲** بررسی ابیات: ج) محترم دانشن فکر جامعه (دموکراسی) / ب) عرقه به خون شدن جامه بهر وطن (سپهن‌دوستی) / الف) ورم (بلندی) / و) متفجر شو و آتش خود را نهفته میسند (قیام) / ه) کافور (سفیدی) / د) که نشانی از یوسف آرد (شوق وصال)

۳۰۵. **گزینه ۲** بررسی گزینه‌ها: گزینه ۱: ملک جهان به دیدن روی جهانیان نمی‌آزد / گزینه ۲: وقتی چهره تو آشکار می‌شود، آفتاب پنهان می‌شود. / گزینه ۳: قبلاً مردم از دشمن فرار می‌کردند، حالا باید از دوستان فرار کرد. / گزینه ۴: از ترس مردم به گوشه عزلت پناه می‌برم.

مفهوم مشترک بیت: سوال و سایر گزینه‌ها: نفرت از مردم روزگار و فرار از آن‌ها

۳۰۶. **گزینه ۴** بیت این گزینه بیانگر بلندی و والایی «دماوند» است.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: دعوت به قیام و ساززه است.

پایه دوازدهم

درس نهم

۳۰۷. **گزینه ۲**

۳۰۸. **گزینه ۴** برده اول: در اصطلاح موسیقی یعنی آهنگ و نغمه‌های مرتب / برده دوم: حجاب

۳۰۹. **گزینه ۲** در گزینه دوم: «قرابت» به معنی «نزدیکی» ربطی به قراق ندارد.

۳۴۳. **گزینۀ ۱** مصراع دوم گزینۀ‌های دو تا چهار یک مثل هستند، ضمن این‌که در هر سه بیت می‌توان جای هر دو مصراع را عوض کرد. البته قرار دادن «هم‌چنان که» را هم فراموش نکنید.

۳۴۴. **گزینۀ ۲** کافیه از «هم‌چنان که» استفاده کنید.

۳۴۵. **گزینۀ ۲**

در این بیت «مجاز» وجود ندارد (دلیل رد گزینۀ‌های ۱ و ۲، همچنین «جناس» هم به چشم نمی‌خورد (رد گزینۀ ۴):

شرح آرایه‌ها: تشبیه: آن (مشته) به ذره (مشته‌به) تشبیه شده است. / استعاره: خورشید (یار)، گرفتاری ذره (تشخیص - استعاره مکنیه) / ایهام تناسب: مهر (۱) - عشق و محبت ۲ - خورشید که معنی دوم واژه «مهر» (خورشید) با «هوا» و «خورشید» تناسب دارد و بر این اساس معنی اصلی که مدنظر شاعر است، «عشق و محبت» است.

۳۴۶. **گزینۀ ۳**

متناقض‌نما: جمعیت (آرامش) را در پربشانی دانستن / تشخیص: ندارد
تشریح گزینۀ‌های دیگر: گزینۀ «۱»: ایهام: دور از تو ← ۱ - در هجران تو ۲ - از تو دور باد (جمله دعایی) تشبیه: آتش عشق / گزینۀ «۲»: استعاره: لعل ← لب / حس آمیزی: جواب خشک / گزینۀ «۳»: تلمیح: «بار امانت» اشاره‌ای است به آیه «انا عرضنا الامانة على السماوات و...» / حسن تعلیل: شاعر دلیل گردش فلک را، سبکباری آن دانسته است.

۳۴۷. **گزینۀ ۲** این حدایی همان دور شدن از اصل است.

۳۴۸. **گزینۀ ۴**

۳۴۹. **گزینۀ ۴** در این بیت، «سینه» مجازاً شخص هجران کشیده است.

۳۵۰. **گزینۀ ۱** از دیدگاه عارفان، عشق، اصل وجودی هر چیزی است.

۳۵۱. **گزینۀ ۱** تعریف گزینۀ «۱» در تناقض است.

۳۵۲. **گزینۀ ۳** از دیدگاه مولانا با چشم و گوش مادی و ظاهر نمی‌توان به درک حقیقت نایل آمد. این دو بیت مفهوم یکسانی را دنبال می‌کنند.

۳۵۳. **گزینۀ ۴** از دیدگاه عارفان تنها عشق موجب زندگی است.

۳۵۴. **گزینۀ ۲** فقط عاشق مست، رازدار عشق است.

۳۵۵. **گزینۀ ۴** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ ۲: سخن انسان، بیاتگر راز درون اوست.

۳۵۶. **گزینۀ ۴** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ «۴» همراهی و همدردی دیگران در سوز عشق است.

در بیت سؤال مولانا می‌گوید هر مرد و زنی با من همدرد شده‌اند و در بیت ۴ نیز می‌گوید از نهاد سنگ ناله برمی‌خیزد و گویی ابزار همدردی می‌کند.

۳۵۷. **گزینۀ ۳** مفهوم مشترک «بازگشت به اصل یا عالم معنا»

۳۵۸. **گزینۀ ۲** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ ۲: «بازگشت به اصل (خداوند) است. شرح سایر بیت‌ها: ۱) تلمیح به دار آویخته شدن منصور حلاج / ۳) دشواری‌های راه عشق و نامحدود بودن آن. / ۴) عشق دستگیر انسانی است که قاری قرآن باشد.

۳۵۹. **گزینۀ ۱** هر دو بیت اشاره دارد به عروج به عالم معنا (بازگشت به سوی اصل).

۳۶۰. **گزینۀ ۱** مفهوم مشترک این دو بیت: تنها عاشق است که محرم اسرار عشق است.

۳۶۱. **گزینۀ ۴** مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینۀ ۴ این است که «عاشق خام و ناپخته، هیچ‌گاه نمی‌تواند حقیقت حال عاشقی واقعی و پخته را درک کند»

۳۶۲. **گزینۀ ۱** مفهوم متن سؤال‌ی اعتنائی به دنیای مادی و گذر زمان است و در مقابل، مفهوم بیت (۱) توجه به مادیات و عیش و نوش است.

شرح سایر بیت‌ها: ۲ - بختندگی شاعر برای طلب نظر معشوق / ۳ - دشواری‌های راه عشق و ناآگاهی غیرعاشقان / ۴ - غم‌پرستی

۳۴۹. **گزینۀ ۲** قیدهای هر بیت: (۱) هنوز / ۲) روز - شب / ۳) کو = کجاست / ۴) یکی ساعت (= یک ساعت)

نکته زبانی قید: گروهی که نقش‌های پنج‌گانه (فعل، نهاد، مفعول، مسند و متمم - شبه جمله) را ندارد و می‌توان آن را از جمله حذف کرد.

۳۳۰. **گزینۀ ۲**

ترکیب‌های وصفی: مهم‌ترین عامل، مؤثرترین عامل، همین علت، جنبه تزیینی (تا) ترکیب‌های اضافی: تأثیر وزن - جزء طبیعت، طبیعت شعر، نشان دادن عواطف (تا)

۳۳۱. **گزینۀ ۱**

ترکیب‌های وصفی: هیچ ملت، هر دو، حس عاطفی، همان کشش‌ها، اساسی‌ترین عامل

۳۳۲. **گزینۀ ۴**

دست (نهاد) عقل (مضاف‌الیه) شکسته‌بای کجا به تو رسد؟
تشریح گزینۀ‌های دیگر: گزینۀ «۱»: وحشی: منادا (تخلص شاعر) / هرگز: قید / گزینۀ «۲»: بوی گل و ریحان‌ها بی‌خوب‌ستیم می‌کرد: نهاد - مسند / گزینۀ «۳»: آتش در خرمن سکون من زد = مفعول / مضاف‌الیه

۳۳۳. **گزینۀ ۳** اگر مصراع دوم بیت‌ها را نگاه کنید، فقط یکی از آن‌ها با حرف «که» شروع شده است و این بهترین نشانهٔ بی‌بی است که «اسلوب معادله» ندارد.

۳۳۴. **گزینۀ ۱** در بیت اول: حرف شاعر در مصراع اول تمام نشده است. «هم‌چنان که» هم بین دو مصراع بیت‌های ۲-۳ و ۳-۴ قرار می‌گیرد که نشانهٔ مفهوم اسلوب معادله فساد می‌شود.

۳۳۵. **گزینۀ ۱**

آخرین به هر پی آرم باهوشه «که» در اول مصراع دوم بیت اول یعنی: آرم و قائم معترم دنبال چه می‌گردین او رفته از این شهر! بیشترین یعنی: اسلوب معادله موهور نیست.

۳۳۶. **گزینۀ ۳** تنها بی‌بی که می‌توان گفت مصراع دوم آن مثالی برای مصراع اول است، همین بیت گزینۀ سوم است.

یادآور: گفته می‌توانیم بین دو تا مصراع بی‌بی که اسلوب معادله دارد «هم‌چنان که» قرار بدهیم، چه بوری؟ این بوری: نباید سفن گفت تا سافته «هم‌چنان که» «نشانید برین نینرافته»

۳۳۷. **گزینۀ ۴** یکی از شاخصه‌های اصلی «اسلوب معادله» یعنی «تمام شدن حرف شاعر در مصراع اول» در بیت گزینۀ چهارم رعایت نشده است. در سه گزینۀ دیگر این اصل رعایت شده است و مصراع دوم مثالی برای مصراع اول است.

۳۳۸. **گزینۀ ۲** کافی است به «که» در مصراع دوم این گزینۀ توجه کنید تا بدانید که این بیت «هم‌چنان که» را نمی‌پذیرد.

۳۳۹. **گزینۀ ۳** در این بررسی به این نکته دقت کنید که حرف شاعر در مصراع اول کدام بیت تمام نشده است، قطعاً به گزینۀ سوم می‌رسید.

۳۴۰. **گزینۀ ۴** اگر بین مصراع‌ها «هم‌چنان که» قرار دهید، همه گزینۀ‌ها به جز گزینۀ چهارم، اون رو با روی باز می‌پذیرند.

۳۴۱. **گزینۀ ۲** در همه گزینۀ‌ها به جز گزینۀ دوم: الف) می‌توان «هم‌چنان که» بین مصراع‌ها قرار داد. / ب) همه مصراع‌های دوم، مثالی برای مصراع اول هستند.

۳۴۲. **گزینۀ ۳** در گزینۀ اول: اسلوب معادله‌ای به کار رفته است که بهترین مشخصهٔ آن برابر بودن دو مصراع است، یعنی این که می‌توانیم جای دو مصراع را عوض کنیم و یا بین آن‌ها «هم‌چنان که» قرار دهیم.

مثلاً در گزینۀ اول مصراع دوم (عشرت امروز بی‌اندیشه فردا فوش است) سفن اصلی و مصراع اول (فکر شبه تلخ دارد جمعه اطفال را) مثالی برای این سفن است.

عشرت امروز بی‌اندیشه فردا فوش است هم‌چنان که فکر شبه تلخ دارد جمعه اطفال را. گزینۀ دوم و چهارم هم با قرار دادن «هم‌چنان که» در بین دو مصراع، معادله خود را نشان می‌دهند.